



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّهُ خَيْرٌ نَاصِرٍ وَمَعِينٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ



تجلی حق از کعبه و جلوه مولاد قبله

در روز ششم ذی حجه مبارکه بر همه علویان جهان مبارک باد

* اللَّهُمَّ أَفْضُ صَلَاةٍ صَلَوَاتِكَ، وَسَلَامَةٍ تَسْلِيمَاتِكَ، عَلَيَّ: سِرُّ الْأَسْرَارِ * وَمَشْرِقُ الْأَنْوَارِ * الْمُهَنْدِسُ فِي الْغُيُوبِ اللَّاهُوتِيَّةِ * السِّيَّاحُ فِي الْفِيَّافِي الْجَبْرُوتِيَّةِ * الْمُصَوِّرُ لِلْيُؤَلَى الْمَلَكُوتِيَّةِ * الْوَالِي لِلْوَلَايَةِ النَّاسُوتِيَّةِ * أَنْمُودِجِ الْوَاقِعِ وَشَخْصِ الْإِطْلَاقِ * الْمُنْطَبِعُ فِي مَرَايَا الْأَنْفُسِ وَالْآفَاقِ * سِرُّ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ * وَسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَالصَّدِيقِينَ * صُورَةَ الْأَمَانَةِ الْإِلَهِيَّةِ * مَادَّةَ الْعُلُومِ الْغَيْرِ الْمُتَنَاهِيَةِ * الظَّاهِرِ بِالْبُرْهَانِ * الْبَاطِنِ بِالْقُدْرَةِ وَالشَّانِ * بِسْمَلَةِ كِتَابِ الْمَوْجُودِ * فَاتِحَةَ مُصْحَفِ الْوُجُودِ * حَقِيقَةَ النُّقْطَةِ الْبَائِيَّةِ * الْمُتَحَقِّقَ بِالْمَرَاتِبِ الْإِنْسَانِيَّةِ * حَيْدَرِ آجَامِ الْإِبْدَاعِ * الْكِرَامِ فِي مَعَارِكِ الْإِخْتِرَاعِ * السَّرِّ الْجَلِيِّ وَالنَّجْمِ الثَّاقِبِ * إِمَامِ الْأَنْمَةِ

عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ وَأَوْلَادِهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

عیان شد از غیب و خفا بر زمین

به ششم ذی حجه آن بی قرین

منت خدا را به ظهوری چنین

ظهور حق شد به چنین ماه و روز

كالدّم ولدت يا تمام الشرف * في الكعبة واتخذتها كالصّدف

فاستقبلت الوجوه شطر الكعبة * والكعبة وجهها تجاه النجف^١

ز روی شمس ازل؛ دور شد نقاب امروز خجل بشد ز فروغ خود؛ آفتاب امروز

چه طرف روز بود؛ ششم این ماه که گشته رحمت حق؛ نازل از سحاب امروز

جمعه ۶ ذی حجه مبارکه ۱۴۲۹ را گرامی داشته و این روز فرخنده را

به حضرت قدسیه وجه الله و قبله حقیقیه عباد الله؛ مولانا صاحب الامر ارواحنا فداه تبریک عرض می کنیم

بر ما و شما و همه عزیزان همراه نیز مبارک باشد

(۱) سروده فیلسوف الهی و حکیم ربانی میر داماد، ترجمه رباعی: ای تمامی شرافت (اشاره به مولا علی ۸)؛ تو در کعبه به دنیا آمدی همچون مروارید که صدف را بر می گزیند، تمام صورتها رو به کعبه کرده اند؛ و کعبه رویش به سمت نجف است؛ [روی کعبه: به آن ضلع از کعبه می گویند که درب خانه کعبه در آن قرار دارد، قابل توجه است که این ضلع کعبه به سمت نجف اشرف می باشد].

سرآغاز، دیرینه، پیشینه و پیش بینی های انبیاء و اولیای الهی

درباره جلوه و بروز و ظهور حضرت مولا علی من السلام در این جهان

تاریخ جلوه و ظهور و حضور و حیات حضرت مولا من السلام، برای اهل معرفت و خواص از واقعه ولادت شروع نمی شود. چه این تنها واقعه آغاز کثرت و بازآیی ششم حضرتش می باشد، و شرح کرتهاى گذشته در محدوده این مقاله کنجایش نداشته و بیانش کتابها می طلبد، البته محصلین علوم و معارف الهی در دروس معرفت الهی سطح سوم از سطوح معرفت باطنه؛ بطور اجمال و اشاره این حقایق را از کلام خازنان وحی علیهم السلام فراگرفته اند. و خلاصه اینکه: **سرآغاز اصلی و شروع آن از: بدو تجلی حق تعالی و ظهور از مکمن غیب ذات اقدسش؛ می باشد.** ما در اینجا به برخی پیشینه ها و پیش بینی های واقعه ولادت در کعبه می پردازیم:

۱- در کلام وحی قرآن کریم آمده است: **{وأنه فی أم الكتاب لدینا لعلي حکیم}** در بیان خازنان وحی علیهم السلام این آیه شریفه یک تفسیر بیشتر نداشته و آن اینکه مقصود از آن حضرت مولا علی است،

۲- در کلام خازنان وحی علیهم السلام آمده است که اول نامی که خداوند برای خود برگزید اسم **"العلی"** بود، و در شرح واقعه ولادت و نامگذاری الهی برای حضرت مولا می بینیم که خداوند نام **علی** را برای حضرتش بر می گزید.

۳- در زیارتی که علامه مجلسی نقل فرموده است خطاب به حضرتش می گوییم: **السلام علی حجة الله العلی السلام علی الحق الجلی . . .** یعنی حضرتش جلوه حق بلکه حق در تجلی می باشد.



۶- حقیقت واقعه ولادت فراتر از ولادت ظاهری بوده؛ همچنانکه در بیان برخی از پیامبران هند آمده است و از چند هزار سال قبل ظهور حضرتش را در کعبه بشارت داده است:

* **کرشن** از پیامبران هندو و معروف به **شری کرشن جی** که در پنج هزار سال قبل دنیا آمده، وی کاملترین انسان عصر در قوم خود پنداشته شده است،^۲ هندوها وی را پیامبر عظیم الشان می دانند و کتاب بهکوت گیتا را که مشتمل بر تعالیم و گفتار اوست بسیار مقدس می دانند،^۳ و کلمه (شری) و (جی) که در اول و آخر اسم آورده شده جزء اسم نیست و برای احترام می باشد مانند: حضرت، جناب و آقا که در فارسی معمول است. این دعا در کتاب کرشن بینتی^۴ آمده است:

شری کرشن جی [در جنگ مشهوری که بین (پاندوها) و (کوروها) واقع شد] به میدان جنگ، تشریف آورد و چون دید طرفداران حق، بسیار اندک و طرفداران باطل، بیشمارند و مانند مور و ملخ، زمین را فرا گرفته اند، پیروان خود را موعظه کرد و آنچه لازم بود به آنان فرمود سپس به گوشه ای رفت و زمین ادب بوسید و با پروردگار خود، به مناجات پرداخت و گفت:

* ای خدای بزرگ جهان و ای روح عظیم هستی! ترا به ذات پاک خودت سوگند می دهم، و به آن کسی که باعث ایجاد زمین و آسمان شده و حیب تو است [۱]، و به آن کسی که عزیز و بسیار محبوب او و نامش **آهلی** است [۲]، و نزدیک **سنگ سیاه** در بزرگترین پرستشگاههای جهان، جلوه گر خواهد شد [۳]، عرض حال مرا بشنو و خواسته ام را بپذیر، **اهربیان و دروغگوان را نابود ساز و راستان را پیروزی مرحمت فرمای، ای خدا! ای آیلا! ای آیلا! ای آیلا! ***

۱- منظور از این اوصاف؛ حضرت رسول اکرم & است؛ و اشاره به لقب حضرت: حیب الله؛ و حدیث قدسی: لولاك لما خلقت الأفلاك؛ یعنی اگر بخاطر تو نبود اصلا افلاك را نیز خلق نمی کردم.

۲- **آهلی** از الفاظ باستانی سانسکریت است که در زبان عرب، **علی** یا **عالی** تلفظ می شود و فرموده خود **شری کرشن جی** هر گونه ابهام را از کلمه **آهلی** دور ساخته به طوری که جز بر وجود مقدس امیر المومنین علی (علیه السلام) بر دیگری صدق نمی کند، لذا نیازی به گفتگو در پیرامونش نیست. و اما لفظ **ایلا**: یکی از دانشمندان بزرگ دینی هندو گوید: در زبانهای باستانی عهد پراچین نیز یک نوع زبان سانسکریت، وجود دارد که ادعا شده قدیمترین زبان هاست. در این زبان نیز الفاظی هست که اکنون در خواندن، نوشتن و تکلم، استعمال نمی شود. (**ایلا**) که یک نام است از همین الفاظ به شمار می آید و معنایش بسیار بلند مرتبه یا بسیار نامور است و **آهل** یا **اهلی** یا **آلی** هم از همان لفظ ایلا گرفته شده چنانچه در زبان عربی **اعلی، عالی، علی، تعالی** و غیره گفته می شود در (ویدها) این گونه الفاظ، بسیار است و بر خواننده مشتبه می شود که آیا این الفاظ، عربی شکسته است یا سانسکریت است که داخل زبان عربی گردیده است.

۳- منظور از این توصیف؛ حضرت مولا علی^۵ است، با اشاره به واقعه ولادت و جلوه در کعبه معظمه، دقت تعبیر حاکی از بلندی مرتبه صاحب کلام دارد.

* مهاقما بده در سال ۶۲۳ قبل از میلاد مسیح دنیا آمده است. "بده" لفظ سانسکریت است و به: روشن ضمیر^۶ و عارف^۷ و عقل و پیامبر و اوتار^۸ معنا شده است. نام اصلی وی: ساکی مینی گوتم یا سدهارتهه یا سدهارتهه یا شاک مینی است. وی در نظر هندو از پیامبران عظیم الشان است، مهاقما بده یکی از مشاهدات معنوی خود را چنین نقل نموده است:

* **روح بسیار بزرگی، مرا مبارک باد گفت و چنین بشارت داد: عبادت و بندگی تو پذیرفته و ثمربخش شد، برو و به ذکر و تسبیح نام من مشغول شو تا هر چه خواهی برایت میسر شود، نام من آلیا است و ملاقات با من نزد دیوار شکافته شده در جای بسیار پاک و مقدس (کعبه) به صورت یک بچه [۱] خواهد بود، اما هنوز به آن زمان، بسیار مانده است ***

۱- در انجیل هم از حضرت امیر (علیه السلام) به بچه تعبیر شده است.^{۱۰}

(۲) تاریخ طلائی = گولدن هیستوری چاپ اول ص ۲۲.

(۳) سوشل استیڈیز چاپ دوم ص ۱۲۷.

(۴) نوشته پندت رام دهن ص ۷۲ از انتشارات ساگری پستیکاله دهلی تاریخ چاپ ۱۹۳۱.

(۵) کتاب ناگر ساگر، نوشته (پندت کرشن گوپال) صفحه ۲۱۱ چاپ دوم از انتشارات نارائن بک دیو آگره. سال چاپ ۱۹۱۷.

(۶) سیر مشرق ص ۹.

(۷) گولدن ص ۳۶.

(۸) فیروز ج ۱ ص ۲۱۴.

(۹) کتاب (بودهیا چمتکار) تألیف ایل بهانا گرایم-ای-آی-ای چاپ اونکار پستیکالیه کانپور سال ۱۹۲۷ م.

(۱۰) مرقس باب ۱۰ آیه ۱۵.

* هنگامی که دشمنی و مخالفت گمراهان و گرفتاری های دیگر، "مهاتما بده" را ناراحت و پریشان کرده بود، این چنین دعا و استغاثه فرمود:

* ای مطلوب طالبان و عزیز عزیزان! ای آلیا! ای پرورز شونده بر همه! بیا و جلوة خود را نشان داده و مرا یاری فرمای. ای شیر خدا! [۲] روبه‌ان دنیا می‌خواهند مرا بخورند ترا سوگند می‌دهم به آن کسی که دست و بازویش هستی [۳]، و به آن کسی که نیرو و قدرتش در تو است [۴]، مشکل مرا بگشای. تو نامی داری که نام خداست [۵]، بیا که نظر بر چهره تو افکندن برابر با هزار عبادت است [۶]، زیرا تو چهره خدای متعال هستی [۷]، ای محبوب من! تو همه چیز هستی و من در صورت عدم ارتباط با تو هیچ چیز نیستم [۸]، تو همه چیز را می‌بینی و از حال همه آگامی [۹]، تو رنج و مشقت مرا می‌دانی و می‌توانی آن را بر طرف کنی اوم آلیا * [۹]



- ۲- اشاره به لقب "اسد الله" از القاب معروف حضرت مولا منه السلام.
- ۳- اشاره به لقب "ید الله" از القاب معروف حضرت مولا منه السلام.
- ۴- اشاره به لقب "قدرة الله" از القاب معروف حضرت مولا منه السلام.
- ۵- اشاره به نام "علي" که اولین نام خداوند متعال است.
- ۶- اشاره به حدیث معروف و مقبول میان همه طوائف مسلمین است که حضرت رسول الله فرمودند: النظر الی وجه علي عبادة.
- ۷- اشاره به مقام و مرتبه و لقب حضرت مولا منه السلام.
- ۸- اشاره به مقام قیومیت امام که در مثل این حدیث وارد شده است: لولا الحجة لساخت الأرض باهلها.
- ۹- اشاره به مقام علم و نظارت امام بر امور عالم.
- ۱۰- این دعا که معروفست به دعای (بده یو گیا) در اکثر کتابهای بده مذهب، مذکور است. و آخرش چنان است که نقل شد.

* در منبع دیگری از يك كتاب چینی، جملات بیشتری را به عنوان جزء آخر این دعا نقل کرده است؛ که هر چند به موضوع ولادت و حضرت مولا مرتبط نبوده ولی بخاطر ارتباط با اهل بیت آنرا نیز نقل می‌کنیم؛ ترجمه این جملات چنین می‌شود:

* خدایا! به واسطه آن وجود مقدسی که بسیار مهربان و برای همه رحمت است، مرا یاری کن. خدایا! به واسطه اولاد پاک او، مرا نجات بخش! خدایا! به واسطه نام پاک او، مرا عزت بخش و آبرویم را حفظ فرمای *^{۱۱}

* احادیث شریفه وارده در این زمینه نیز فراوان است؛ و ما نقل از منابع سایر ملل را به جهت جامعیت مقاله اولویت دادیم، اما شرح کرتها و بازایی های حضرتش در مجامع کلام خازنان وحی علیهم السلام مشروحا ذکر شده؛ که مفصل ترین آنها کتاب شریف "الفتح العلوي في معرفة العلي والعلوي" می باشد. بطور نمونه برخی موارد را در اینجا اشاره می‌کنیم:

سیر نور حضرت مولا از آغاز تا ولادت در کعبه: ابوذر از رسول خدا صلي الله عليه و آله روایت کرده که فرمود: من و علي بن ابيطالب از يك نور خلق شدیم، من و علي دو هزار سال قبل از آنکه خدا حضرت آدم را خلق کند در طرف راست عرش به تسبیح گفتن برای خدا مشغول بودیم، وقتی خدای توانا حضرت آدم را آفرید آن نور را در پشت آن بزرگوار جای داد، موقعی که آدم علیه السلام را در بهشت جای گزین کرد ما در صلب آن حضرت بودیم، در آن زمانی که نوح در کشتی سوار شد جای ما در پشت آن بزرگوار بود در آن موقعی که حضرت ابراهیم را در آتش انداختند نور ما در پشت او جای گزین بود. خدای جهان به همین نحو ما را از صلبهای پاک و پاکیزه در رحمهای مطهره انتقال می داد تا اینکه نور ما در صلب عبدالمطلب جای گزین شد، بعد از آن خدای رؤف نور ما را دو نیم کرد، مرا در صلب پدرم عبدالله و علي را در پشت ابوطالب جای داد. خدای عزیز مقام پیغمبری را به من و فصاحت و شجاعت را به علي عنایت فرمود.

(۱۱) رام نارائن بنارسی؛ در صفحه ۵۴ از رساله (بده گیان) چاپ شده سال ۱۹۳۱ میلادی، این جملات به عنوان جزء آخر این دعا؛ از يك كتاب چینی، نقل کرده است..

آدم صفي الله خداوند را به نام علي سوگند داده و طلب بخشش نمود تا توبه اش قبول شد: در بيان احاديث شريفة آمده است كه منظور از آية ۲۷ از سورة مباركة بقره : و تلقى آدم من ربه كلمات ... مراد از كلماتي كه آدم عليه السلام از خداوند دريافت كرد و با آن كلمات خدا را سوگند داد و توبه نمود، اسامي خمسة طيبة عليهم السلام بوده است.

نام علي بن ابي طالب، زيور كشتي نوح عليه السلام: از پيامبران بزرگواري كه به نام مقدّس پيامبر اسلام صلي الله عليه و اله و سلم، و علي مرتضي عليه السلام و فاطمه زهرا عليها السلام و حسين عليها السلام، تبرك جست، و از آنان مدد خواهي كرد، حضرت نوح عليه السلام است. شاهد بر اين كلام تخته چوبهايي مي باشند كه در جستجوهاي دانشمندان معدن شناس شوروي، كشف شد.



حكيم سيد محمود سيالكوتي در كتاب خود، به طور مستند در اين مورد مي نويسد:

”در ژوئيه ۱۹۵۱ م، گروهی از دانشمندان معدن شناس شوروي براي معدن يابي، مشغول زمين كاوي بودند كه ناگهان به تخته چوبهايي پوسيده برخوردند ... از علائمي دريافتند كه بايد اين چوب ها غير عادي و مشتمل بر راز نهفته اي باشد ... در آن ميان، تخته چوب مستطيلي شكلي يافتند كه همه را به حيرت انداخت؛ زيرا در اثر گذشت زمان، كهنگي و پوسيدگي به تمام چوبها راه يافته بود جز اين تخته كه چهارده اينچ طول و ده اينچ عرض داشت و حروفی چند بر آن منقش بود. دولت شوروي، براي تحقيق و بررسي درباره اين تخته چوب، در ۲۷ فوريه ۱۹۵۲ م، كميته اي تشكيل داد كه اعضاي آن، باستان شناسان و استادان شناخت زبانهاي كهن بودند ... (مؤلف، اسامي اعضاء اين كميته را بيان مي كند و سپس مي نويسد): بالآخره پس از هشت ماه تحقيق و كاوش، اسرار آن تخته چوب، براي كميته كشف گرديد و معلوم شد كه براي تيمن و مددخواهي چيزهايي بر آن نوشته و بر كشتي نصب

كرده اند. ... كميته تحقيق، پس از هشت ماه فكر و دقت و زحمت، نوشته مذکور را خواندند و به حروف روسي درآوردند، ... سپس استاد زبانهاي باستانی بریتانیا، Mr. N. F. Maks، الفاظ مذکور را به انگلیسی چنین ترجمه کرد:

O. my god ، my helper . keep my hand with mercy and with your holybodies : Mohamad ، Alia ، shabbar ، shabbir ،Fatema. They all are biggests and honourables. The world established for them.

Help me by their names. You can reform to right. ترجمه متن انگلیسی:

اي خدای من!

اي مددکار من!

به لطف و مرحمت خود، و به طفيل ذوات مقدّس:

محمد، ايليا، شبر و شبير و فاطمه:

دست مرا بگير.

اين پنج وجود مقدّس از همه با عظمت تر و واجب الاحترام هستند،

و تمام دنيا براي آنان، بر پا شده است.

پروردگارا به واسطه نامشان، مرا مدد فرماي.

تو مي تواني همه را به راه راست، هدايت نمايي.”

ابراهيم خليل عليه السلام و شناخت علي عليه السلام: جابر از امام صادق عليه السلام روايت کرده كه فرمود: **وقتي كه خداوند ملكوت را به ابراهيم عليه السلام نشان داد، نوري را در جنب عرش ديد، گفت خدايا اين نور چيست؟ به او گفته شد اين نور محمد صلي الله عليه و اله و سلم است كه برگزيده من از خلق من است. و نور ديگري را در جنب آن نور مشاهده كرد و از آن پرسش نمود، گفته شد اين نور علي بن ابي طالب عليه السلام است كه ياري كننده دين من مي باشد، پس در جنب آن دو نور، سه نور ديگر ديد و از آنها پرسش كرد. گفته شد نور فاطمه عليها السلام است كه دوستانش را از آتش بازداشتم، و نور دو فرزندش حسن و حسين است. پس گفت خدايا انوار ديگري در اطراف آنها مي بينم؟ گفته شد آنها امامان از نسل علي و فاطمه هستند. ابراهيم عليه السلام گف: خدايا به حق خمسة طيبة آنها را به من بشناسان. گفته شد اي ابراهيم اولين آنها علي بن الحسين و سپس پسرش محمد و پسر او جعفر و پسر او موسي و پسر او علي و پسر او محمد و پس از او علي و فرزندش حسن و پسرش حجت قائم است، ...**

ابراهیم خلیل علیه السلام شیعه علی علیه السلام: حضرت ابراهیم خلیل الرحمن با آن جلالت قدری که دارد وقتی که انوار شیعیان اهل بیت را دید که مانند ستارگان درخشان اطراف آفتاب و ماهتاب ولایت را گرفته اند **از خدا خواست که او را از جمله شیعیان علی علیه السلام قرار دهد.** چنانچه در تفسیر سوره الصافات ضمن آیه ۸۲ "و ان من شیعیه لابراهیم" (و بدرستی که از شیعیان او ابراهیم است) رسیده است.

حضرت خضر و دوستی علی علیه السلام: سلیمان اعمش که از بزرگان روایت و محدثان است و شیعه و سنی او را توثیق می کنند، می گوید: در مدینه، کنیز سیاه کوری بود که کارش آب دادن بود و می گفت آب بیاشامید در راه دوستی علی بن ابی طالب علیه السلام. او را در مکه دیدم در حالی که چشمهای او باز بود و می دید و آب می داد و می گفت:



بیاشامید در راه دوستی کسی که خدا به سبب او روشنایی چشم مرا به من برگردانید. اعمش گوید احوالش را پرسیدم گفت: مردی به من رسید و گفت: ای جاریه، آیا تویی کنیز و دوستدار علی بن ابی طالب علیه السلام؟ گفتم: آری. گفت: اللهم ان کانت صدقه فرد علیها بصرها. (خدا یا اگر این کنیز در دوستی علی علیه السلام راستگوست چشم او را به وی برگردان) به خدا سوگند در آن حال چشم من روشن شد. پس گفتم تو کیستی؟ فرمود: **منم خضر و منم شیعه علی بن ابی طالب علیه السلام.**

حضرت موسی علیه السلام از شهادت علی علیه السلام خبر داد: مرحوم علامه مجلسی در جلاء العیون می نویسد: "این بابویه به سند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که مردی از علمای یهود به خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و از مسائلی پرسش نمود از جمله آنها این بود که پرسید: **وصی پیغمبر شما** بعد از او چند سال زندگانی خواهد کرد؟ حضرت فرمود: سی سال. گفت: بگو که در آخر خواهد مرد یا کشته خواهد شد؟ حضرت فرمود: بلکه کشته خواهد شد. ضربتی بر سر او خواهند زد که ریش او از خون او خضاب شود. یهودی گفت: به خدا سوگند که راست گفتمی من چنین خوانده ام **در کتابی که موسی علیه السلام املا کرده و هارون نوشته است.**"

علی علیه السلام و پیشگویی حضرت داوود علیه السلام: نام مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در زبور داوود علیه السلام نیز چون خورشید می درخشد. داوود علیه السلام از متولد شدن امیر المؤمنین علیه السلام با صراحت و دقت در جزئیات، خبر می دهد. در کتاب "علی و پیامبران" نوشته ای را از نسخه بسیار قدیمی زبور که نزد "احسان الله دمشقی" پیشوای دینی مسیحیان شامات موجود بوده، نقل می کند که به شرح زیر است: (مطعنی شل فتو تیمر قث پاهینوا فی وز "ایلی" متازه امطع ملغ شلو شماتت پزانان همنیقته خلد وقت فل "حدار" کمرتوه شیهو پلت انی قاه بوثة خزیمه رث جین "کعباه" بنه اشد کلیامه کاذو قثوتی قتمر عد و بریما برینم فل خلد ملغ خایوشنی پم مغلینم عت جنجاریون). (یعنی) اطاعت آن بزرگوار که "ایلی" نام دارد، واجب است و فرمانبرداری از او همه کارهای دین و دنیا را اصلاح می کند. **آن شخصیت والا مقام را "حدار" (حیدر) نیز می گویند، او دستگیر و مددکار بیکسان و شیر شیران باشد. نیرو و قدرتش بسیار و تولدش در "کعبا" (کعبه) خواهد بود.** بر همه واجب است که دامن آن بزرگوار را بگیرند و همانند غلام حلقه به گوش اطاعتش کنند. بشنود هر که گوش شنوا دارد، بفهمد هر که عقل و هوش دارد، ببیندیشد هر که دل و مغز دارد، که چون وقت بگذرد، دوباره باز نمی گردد.

علی علیه السلام و استمداد حضرت سلیمان علیه السلام: اکنون به سراغ یکی دیگر از پیامبران حق یعنی حضرت سلیمان علیه السلام می رویم. که آن حضرت با نام مقدس همین پنج بزرگوار یعنی محمد صلی الله علیه و اله و سلم و علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام با خداوند مناجات می کند و عرض حاجت می نماید. در این زمینه به فراز دیگر از مطالبی که در کتاب "علی و پیامبران" آمده است می پردازیم: "در جنگ جهانی اول (۱۹۱۶ میلادی) هنگامی که عده ای از سربازان انگلیسی در چند کیلومتری بیت المقدس مشغول سنگرگیری و حمله بودند، در دهکده کوچکی به نام "اوتره" يك نقره ای پیدا کردند که حاشیه اش به جواهرات گرانبها مرصع و در وسطش، خطوطی به حروف طلائی نگارش یافته بود، و چون آن را نزد فرمانده خود، "میجر - ای - ان - گریندل" بردند، هر چه کوشید نتوانست از آن چیزی بفهمد، ولی دریافت که این نوشته به زبان و خطی بسیار قدیمی است. و با لآخره این لوح، به وسیله وی دست به دست گردید تا به سرپرست ارتش بریتانیا "لیفتونانت" و "گلدستون" رسید و ایشان هم آن را به دست باستانشناسان بریتانیا سپردند. پس از پایان جنگ (۱۹۱۸ میلادی) درباره لوح مذکور به تحقیق و بررسی پرداختند و کمیته ای تشکیل دادند که اساتید شناخت زبانهای باستانی بریتانیا، امریکا، فرانسه، آلمان و سایر کشورهای اروپایی، عضو آن کمیته بودند. پس از چند ماه بررسی و تحقیق در سوم ژانویه ۱۹۲۰ م. معلوم شد که این لوح مقدسی است به نام "لوح سلیمانی" و سخنانی از حضرت سلیمان را در بر دارد که به الفاظ عبرانی قدیم، نگارش یافته است و ما ترجمه اش در اینجا می آوریم:



الله
 باهتول
 ايلبي
 حاسن
 حاسين

ياه احمد! مقذا = اي احمد! به فريادم رس.
 يا ايلبي! انصطاه = يا علي! مرا مددي فرماي.
 ياه باهتول! اکاشئي = اي بتول! نظر مرحمت فرماي.
 ياه حاسن! اضو مطع = اي حاسن! کرم فرماي.
 ياه حاسين! بارفو = يا حاسين! خوشي بخش.
 امو سليمان صوه عنخب زالهداد اقتا = اين سليمان اکنون به اين پنج بزرگوار استغائه مي کند.
 بذات الله کم ايلبي = و علي قدرة الله است.

... چون این خبر به اسقف اعظم انگلستان (LORD BISHOP) رسید، فرمان مجرمانه ای به کمیته نوشت که خلاصه اش این است: اگر این لوح در موزه گذاشته شود، و در دید مردم قرار گیرد، اساس مسیحیت، متزلزل خواهد شد. و سرانجام، خود مسیحیان، جنازه مسیحیت را بر دوش، بلند نموده در قبر فراموشی، دفن خواهند کرد. لذا بهتر آن است که لوح مذکور در رازخانه کلیسای انگلستان گذارده شود. و جز اسقف و اهل سر، کسی آن را نبیند.
 برای کسب اطلاع بیشتر در این باره، مراجعه شود به کتاب (Wonderful stories of Islam) چاپ لندن، ص ۲۴۹. کسانی که این لوح را دیدند و بینشی داشتند گرایش عجیب به اسلام پیدا کردند، ... "

نام علي عليه السلام در انجيل: "در کتب مقدس پیشین، به آمدن خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله صلي الله عليه و اله و سلم و جانشین وی حضرت علي بن ابي طالب عليه السلام، بشارت داده شده اما مخالفان اسلام، نمی خواهند این حقیقت را آشکار کنند. بلکه در از بین بردن آن بسی می کوشند. مثلاً در انجيل، صحیفه غزل الغزلات، چاپ لندن، سال ۱۸۰۰ میلادی، باب ۵، آیه ۱ - ۱۰، سخنانی از حضرت سليمان عليه السلام راجع به پیامبر خاتم صلي الله عليه و اله و سلم و امیرالمؤمنین عليه السلام به طور غیر صریح دارد تا در آخر، صریحاً می فرماید: خلو محمدیم (او دوست و محبوب من، محمد است). ولی از انجيل هابی که بعد از سیال ۱۸۰۰ میلادی چاپ شده، جمله "خلو محمدیم" حذف گردیده است. و همچنین لفظ "ایلیا" یا "ایلی" یا "آلیا" که در کتب مقدس پیشین ذکر شده، مخالفان حق، می کوشند ثابت کنند که مراد از آن، خدا یا الیاس یا مسیح یا یوحنا است نه حضرت علي عليه السلام.

ناگفته نماند که بعضی از روحانیان با انصاف مسیحی که درباره "ایلیا" یا "ایلی" یا "آلیا" تحقیق کرده اند و از زندان تعصب رهایی یافته اند، حقیقت امر را بیان نموده اند. یکی از آنان Mr. J. B. GALIDON است، که چنین می نویسد:

In the language of oldest and present habrew the word "ALLIA" or "AILEE" is not in the meanings of god or alla but this word is showing that in next and last time of this world any one will become nominates allia or ailee.

ترجمه متن انگلیسی: در زبانهای عبرانی باستانی، کلمه "ایلیا" یا "ایلی" به معنای خدا، یا "الله" استعمال نشده و نمی شود. بلکه کلمه مذکور نشان می دهد که در زمان آینده یا آخرالزمان شخصی خواهد آمد که نامش "ایلیا" یا "ایلی" باشد.

بشارت وصی الهی "جناب ابوطالب به ولادت حضرت مولا ۲۰ سال قبل از واقعه: وقتی رسول گرامی اسلام در سال «عام الفیل» در «مکه معظمه» دیده به جهان گشود، و همراه با ولادت آن حضرت، غرایب و رویدادهای عجیبی در نقاط مختلف گیتی رخ داد، و مادر بزرگوار آن سرور، «حضرت آمنه» بخشی از آن امور را به «فاطمه بنت اسد» مادر گرامی حضرت «علی علیه السلام» گزارش کرد. فاطمه دختر اسد در حالی که از ولایت پیامبر خدا و از شنیدن آنهمه معجزات و کرامات در هنگام تولدش به شدت خوشحال بود، با سرعت تمام خود را به شوهرش حضرت «ابو طالب علیه السلام» رسانده، و مولود جدید را به وی تبریک گفت. «ابو طالب» چون سخن همسرش را شنید، ضمن خوشحالی و تشکر از او گفت: «اصیری سینا ابشرك بمثله الا النبوة». و فی حدیث آخر: «تعجبین من هذا انك تحیلین و تلدین بوضیه و وزیره». (۱) (ای فاطمه! سی سال دیگر صبر کن، تو نیز نظیر او را به دنیا می آوری، و من این وعده را به تو مؤذنه می دهم. و در حدیث دیگری آمده است: آیا تو از این واقعه بزرگ تعجب می کنی؟ بدان که تو نیز به وزیر و وصی و جانشین وی حامله می گردی (و فرزند عزیزم علی را به دنیا می آوری. سی سال از این واقعه شگرف تاریخی گذشت، همان طور که حضرت «ابو طالب» خبر داده بود، فرزند «کعبه» و «وصی و وزیر مصطفی صلی الله علیه و آله» رحمت عالمیان، پناه بی پناهان، مولای متقیان حضرت امیر المؤمنین «علی بن ابیطالب علیه السلام»، در بیست و سه سال قبل از هجرت نبوی، آن هم در شریفترین مکان عالم هستی «کعبه» دیده به جهان گشود، و گیتی را به نور ولایتش منور ساخت.

بشارت يك از اولیای الهی به ظهور حضرت مولا: «جابر بن عبد الله انصاری» که یکی از صحابه بزرگ رسول گرامی اسلام است، می گوید: در مورد ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام از آن حضرت سؤال نمودم، حضرتش در جوابم فرمودند: آه، چه سؤال با عظمت و مهمی؟ سؤال از بهترین مولود،

یا جابر! بدان که خداوند متعال قبل از آن که سایر موجودات عالم را خلق کند، نور من و علی را آفرید، و سپس آن را در صلب حضرت آدم قرار داد، و پیوسته در «اصلاب طاهرات» و «ارحام مطهرات» مستقر بود، تا این که من از «عبد الله و آمنه»، و علی از «ابو طالب و فاطمه بنت اسد» متولد شدیم. یا جابر! علی قبل از آن که در رحم فاطمه بنت اسد قرار گیرد، قضیه شیرینی دارد، و آن این که:

پیش از زمان وی عابدی بود بنام «مثرم بن دعیب»، او در عبادت و پرستش خدا آن چنان به کمال و موفقیت رسیده بود که مورد لطف و توجه پروردگار عالم بود، و هرگز درخواست حاجت نکرد، و مدت یکصد و نود سال عمر نمود، و همه را به عبادت و پاکی گذارند... او در برابر آن همه عبادت‌هایش فقط يك آرزو داشت، و آن این که یکی از اولیای خدا را زیارت نموده، و با وی به مذاکره بپردازد از قضا وی به این آرزویش رسید، و پروردگار مهربان، عموم حضرت «ابو طالب» را به سوی او فرستاد، چون چشمان «مثرم» به «ابو طالب» افتاد از جایش برخاست و سر مبارک «ابو طالب» را بوسید و در کنارش نشانید، و گفتگوی خود را به شرح زیر آغاز کرد:

عابد: خداوند تو را مورد لطفش قرار دهد، بگو ببینم تو کیستی؟

ابو طالب: مردی از «تهامه» هستم

عابد: کدام تهامه؟

ابو طالب: از مکه

عابد: در مکه از کدام قبیله و گروه می باشید؟

ابو طالب: از «عبد مناف»

عابد: (فرزندان عبد مناف دو شعبه هستند) از کدام شعبه اش؟

ابو طالب: از قبیله «بنی هاشم»

عابد چون این سخن را شنید دوباره از جایش برخاست و برای بار دوم سر و صورت حضرت «ابو طالب» را بوسه زده و گفت:

سپاس خداوندی را سزاست که مرا زنده داشت و به آرزویم رسانیده، و یکی از بندگان و اولیایش را به من معرفی فرمود، آنگاه گفت: ای مرد خدا! مژده باد بر تو، زیرا: خداوند به من الهام نموده که برایت بشارت دهم.

ابو طالب: چه بشارتی؟

عابد: فرزندی پاک از «صلب» تو خارج می گردد، که او «ولی الله» و «وصی پیامبر اسلام» و «امام پرهیزکاران» خواهد بود، ای ابو طالب! سلام خالص مرا به وی برسان و بگو: «مثرم» برای تو درود فرستاد، و او شهادت می دهد به یگانگی خدا و رسالت پیامبر اسلام، و وصایت و جانشینی بر حق تو، و این که «محمد صلی الله علیه و آله» خاتم پیامبران و تو خاتم اوصیا هستی. ابو طالب چون این سخنان را بشنید شروع به گریه کرد و از «مثرم» درخواست نشانه بیشتری نمود.

مثرم گفت: ابو طالب! چه آرزو داری تا از خدا بخواهم برایت اجابت نماید؟

سیر تکوین جنبه خلقي حضرت مولا علی منه السلام: ابو طالب گفت: دوست دارم در همین وقت مائده ای از آسمان فرود آید. مثرم دستهای پاکش را به قصد حاجت به آسمان بلند کرد، و با قلبی آکنده از ایمان و درخواست «ابو طالب» را از پیشگاه خداوندی مسالت داشت، ناگاه طبقی پر از «رطب و انگور و انار» از آسمان فرود آمد و «ابو طالب» با خوشحالی تمام، دست به سوی انار برده و از آن تناول فرمودند، و سپس با موافقت «مثرم» در حالی که از آن مائده آسمانی به همراه داشت، به منزلش آمده، و در کنار «فاطمه بنت اسد» دوباره میل فرموده، و از همان غذای بهشتی نطفه پاک «مولی الکونین» و «امام العالمین» علی بن ابیطالب علیه السلام منعقد گردید.

و همچنین آمده است که: روزی پیامبر خدا قبل از دوران رسالتش مشغول خوردن رطب بود، و در آن هنگام مادر گرامی امیر المؤمنین علیه السلام «فاطمه بنت اسد» فرا رسید، و به پیامبر خدا سلام کرده، و متوجه شد بوی خوش خارق العاده ای از آن رطبها استشمام می گردد، که از بوی مشک و عنبر قویتر است و لذا خطاب به رسول گرامی اسلام عرضه داشتند: یا رسول الله! ناولنی منها اکل... ای پیامبر خدا! برای من هم از آن رطبها مرحمت فرمائید... رسول خدا پس از مذاکرانی، مقداری از آن طعامها را در اختیار فاطمه دختر اسد قرار داد و او نیز به خانه اش بازگشت، و در کنار شوهرش حضرت «ابو طالب» با هم تناول نموده، و سپس از همان غذاها نیرویی در صلب ابو طالب ایجاد شد، و آنگاه با همسرش همبستر گردیده، و نطفه فرزند معصومش حضرت علی علیه السلام را منعقد نمودند...

ولادت حضرت مولا علیؑ عید السلام در کلام خازنان وحی عظیم السلام

متن اصلي کلام خازنان وحی

از آنجا که تلاوت متن کلام شریف خازنان وحی علیهم السلام؛ از آداب مجالس اهل معرفت در روز ولادت حضرت مولا است؛ ابتدا عین کلام شریف را از کتاب شریف "کلام الوحي وخزنته" باب "التجلي في الكعبة" نقل نموده و سپس خلاصه ای از آنرا به فارسی نقل می کنیم:

حدیث ولادت 7 في الكعبة

* الشيخ الطوسي في كتاب "المجالس": قال: أخبرنا أبو الحسن محمد ابن أحمد بن شاذان قال: حدثني أحمد بن محمد بن أيوب قال: حدثنا عمر بن الحسن القاضي قال: حدثنا عبدالله بن محمد قال: حدثني أبو حبيبة قال: حدثني سفيان بن عيينة عن الزهري عن عائشة. قال محمد بن أحمد بن شاذان: وحدثني سهل بن أحمد قال: حدثني أحمد بن عمر الزبيقي قال: حدثنا زكريا بن يحيى قال: حدثنا أبو داود قال: حدثنا شعبة عن قتادة عن أنس بن مالك عن العباس بن عبدالمطلب قال ابن شاذان: وحدثني إبراهيم بن علي بإسناده عن أبي عبدالله جعفر بن محمد عليهما السلام عن آبائه عليهم السلام قال: كان العباس بن عبدالمطلب ويزيد بن قعنب جالسين مابين فريق بني هاشم إلى فريق عبدالعزى بإزاء بيت الله الحرام إذ أتت فاطمة عليها السلام بنت أسد بن هاشم أم أمير المؤمنين عليه السلام وكانت حاملة بأمير المؤمنين عليه السلام لتسعة أشهر وكان يوم التمام. قال: فوقفت بإزاء البيت الحرام وقد أخذها الطلق فرمت بطرفها نحو السماء وقالت: أي ربّ إني مؤمنة بك وبما جاء به من عندك الرسول وبكل نبي من أنبيائك وكل كتاب أنزلته وإني مصدقة بكلام جدي إبراهيم الخليل وإنه بني بيتك العتيق فأسألك بحق هذا البيت ومن بناه وبهذا المولود الذي في أحشائي الذي يكلمني ويؤنسيني بحديثه وأنا موقنة أنه إحدى آياتك ودلائلك لما يسرت علي ولادتي. قال العباس بن عبدالمطلب ويزيد بن قعنب: فلما تكلمت فاطمة بنت أسد ودعت بهذا الدعاء رأينا البيت قد انفتح من ظهره ودخلت فاطمة فيه وغابت عن أبصارنا ثم عادت الفتحة والترقت بإذن الله فرمنا أن نفتح الباب ليصل إليها بعض نسائنا فلم يفتح الباب فعلمنا أن ذلك أمر من أمر الله وبقيت فاطمة في البيت ثلاثة أيام قال: وأهل مكة يتحدثون بذلك في أفواه السكك و تتحدث المخدرات في خدورهن. قال: فلما كان بعد ثلاثة أيام انفتح البيت من الموضع الذي كانت دخلت فيه فخرجت فاطمة وعلي عليه السلام على يديها ثم قالت: معاشر الناس إن الله عز وجل اختارني من خلقه وفضلني على المختارات ممن مضى قبلي وقد اختار الله آسية بنت مزاحم فإنها عبدت الله سرا في موضع لا يجب الله أن يعبد فيه إلا اضطرارا وأن مريم بنت عمران هانت ويسرت عليها ولادة عيسى فهزت الجذع اليابس من النخلة في فلاة من الارض حتى تساقط عليها رطبا جنيا. وأن الله اختارني وفضلني عليهما وعلى كل من مضى قبلي من نساء العالمين لاني ولدت في بيته العتيق وبقيت فيه ثلاثة أيام آكل من ثمار الجنة وأرزاقها فلما أردت أن أخرج وولدي على يدي هتف بي هاتف وقال: يا فاطمة سميته عليا فأنا العلي الاعلى وإني خلقتة من قدرتي وعز جلالتي وقسط عدلي واشتقت اسمه من إسمي وأدبته بأدي وفوضت إليه أمري ووقفته على غامض علمي وولد في بيتي وهو أول من يؤذن فوق بيتي ويكسر الاصنام ويرميها على وجهها ويعظمني ويمجدي ويهللني وهو الامام بعد حبيبي ونبيي وخيرتي من خلقي محمد رسولي ووصيه فطوبى



لمن أحبه ونصره والويل لمن عصاه وخذله وجحد حقه. قال: فلما رآه أبو طالب سر وقال علي عليه السلام: السلام عليك يا أبة ورحمة الله وبركاته. قال: ثم دخل رسول الله صلى الله عليه وآله فلما دخل اهتز له أمير المؤمنين عليه السلام وضحك في وجهه وقال: السلام عليك يا رسول الله ورحمة الله وبركاته. قال: ثم تنحج بإذن الله تعالى وقال: {بسم الله الرحمن الرحيم قد أفلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون} إلى آخر الآيات فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: قد أفلحوا بك وقرأ تمام الآيات إلى قوله {اولئك هم الوارثون الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون} فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: أنت والله أميرهم تميرهم من علومك فيمتارون وأنت والله دليلهم وبك يهتدون. ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله لفاطمة: اذهبي إلى عمه حمزة فبشريه به فقالت: فإذا خرجت أنا فمن يرويه قال: أنا أرويه. فقالت فاطمة: أنت ترويه! قال: نعم فوضع رسول الله صلى الله عليه وآله لسانه في فيه فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا فسمي ذلك اليوم يوم التروية. فلما أن رجعت فاطمة بنت أسد رأت نورا قد ارتفع من علي إلى عنان السماء قال: ثم شدته وقمطته بقمط فبتر القمط قال: فأخذت فاطمة قمطا جيدا فشده به فبتر القمط ثم جعلته في قمطين فبترهما فجعلته ثلاثة فبترها فجعلته أربعة أقمطة من رق مصر لصلابته فبترها فجعلته خمسة أقمطة ديباج لصلابته فبترها كلها فجعلته ستة من ديباج وواحد من الادم فتمططي فيها فقطعها كلها بإذن الله ثم قال بعد ذلك: يامه لاتشدي يدي فيني أحتاج إلى أن ابصص لربي باصبعي. قال: فقال أبو طالب عند ذلك: إنه سيكون له شأن ونبا قال: فلما كان من غد دخل رسول الله صلى الله عليه وآله على فاطمة فلما بصر علي عليه السلام رسول الله صلى الله عليه وآله، سلم عليه وضحك في وجهه وأشار إليه أن خذني إليك واسقني مما سقيتني بالامس قال: فأخذه رسول الله صلى الله عليه وآله فقالت فاطمة: عرفه ورب الكعبة قال: فلكلام فاطمة سمي ذلك اليوم يوم عرفة يعني أن أمير المؤمنين عليه السلام عرف رسول الله صلى الله عليه وآله. فلما كان اليوم الثالث وكان العاشر من ذي الحجة أذن أبو طالب في الناس إذنا جامعا وقال: هلموا إلى وليمة ابني علي قال: ونحر ثلاثمائة من الابل وألف رأس من البقر والغنم واتخذ وليمة عظيمة وقال: معاشر الناس ألا من أراد من طعام علي ولدي فهلموا إلى أن طوفوا بالبيت سبعا سبعا، وادخلوا وسلموا على ولدي علي، فإن الله شرفه ولفعل أبي طالب شرف يوم النحر.^{١٢}

ورواه الشيخ محمد بن علي بن شهر آشوب في كتاب المناقب: قال: في رواية شعبة عن قتادة عن أنس عن العباس بن عبدالمطلب ورواية الحسن بن محبوب عن الصادق عليه السلام والحديث مختصر وساق بعض الحديث.^{١٣}

ابن بابويه في أماليه: قال: حدثنا علي بن أحمد بن موسى الدقاق رحمه الله حدثنا محمد بن جعفر الاسدي قال: حدثنا موسى بن عمران عن الحسين بن يزيد عن محمد بن سنان عن الفضل بن عمر عن ثابت ابن دينار عن سعيد بن جبير قال: قال يزيد بن قعنب: كنت جالسا مع العباس ابن عبدالمطلب وفريق من عبدالعزى بإزاء بيت الله الحرام إذ أقبلت فاطمة بنت أسد أم أمير المؤمنين عليه السلام وساق الحديث بزيادة ونقصان.^{١٤}

(١٢) أمالي الطوسي: ج ٢ / ٣١٧ وعنه البحار: ج ٣٥ / ٣٥ ح ٣٧ وأورده المؤلف رحمه الله أيضا في كتابه: تفسير البرهان: ٣ / ١٠٧ ح ٩ وحلية الابرار: ١ / ٢٢٦.

(١٣) المناقب: ٢ / ١٧٤ عنه البحار: ٣٥ / ١٧ ذح ١٤ وحلية الابرار: ١ / ٢٢٩.

(١٤) أمالي الصدوق: ١١٤ ح ٩ وعنه البحار: ٣٥ / ٨ ح ١١ وعن العليل: ١٣٥ ح ٣ وعن معاني الاخبار: ٦٢ ح ١٠ وعن روضة الواعظين: ٧٦ وعن كشف اليقين: ٦ وعن كشف الحق: وعن بشارة المصطفى: ٨.

واقعه ولادت



منظره ضلع غربی خانه کعبه، نزد رکن بمانی؛ محل درب غربی کعبه (که الان مسدود است) با رنگ سبز مشخص شده است، و مستحار نامیده می شود، از همین موضع دیوار خانه شکافته شده و جناب فاطمه بنت اسد برای ولادت مولا (علیها السلام) داخل کعبه شد، و از همین مستحار با حضرت مولا از کعبه بیرون آمد، حضرتش در وسط کعبه بدنیا آمده اند، وسط کعبه اصلی و موضع ولادت حدود سه متر شمال وسط فعلی و نزدیکتر به دیوار سمت حجر اسماعیل است، در داخل کعبه بر دیوار غربی لوحی آویخته بوده که موضع ولادت مولا را نشان می داده است، این لوح در گذشته با سلطه نواصب برداشته شد، در تجدید بنای کعبه در چند سال قبل، سنگ بسیار قدیمی در وسط کعبه کشف شد، که روی آن نوشته بود: هذا موضع ولادة علي بن ابي طالب، مهندسین آنرا به موزه حرم تحویل دادند، ولی وهابیان مطلع شده و آنرا خورد و نابود کردند. (لنعم الله جمعا)

این حدیث هم از طریق صحابه نقل شده و هم از طریق اهل بیت علیهم السلام:

روزی (از ایام ماه ذی حجه) عباس بن عبدالمطلب با یزید بن قعب بن گروهی از بنی هاشم و جماعتی از قبیله بنی عبدالعزی در برابر کعبه نشسته بودند، در این اثنا دیدند ناگاه فاطمه بنت اسد به مسجد در آمد در حالیکه حامله بود بامیر المؤمنین و نه ما از حملش گذشته بود. او را درد زائیمان گرفت و آن مخدره در برابر خانه کعبه ایستاده و نظر بجانب آسمان افکند و گفت:

پرودگارا! من ایمان آورده ام به تو و به هر پیغمبری و رسولی که فرستاده ای و به هر کتابی که نازل گردانیده ای و تصدیق کرده ام گفته های جدم ابراهیم خلیل که این خانه کعبه را بنا کرده است، پار خدایا! تو را قسم می دهم بحق این خانه و بحق آن کسی که این خانه را بنا کرده است و بحق فرزندی که در شکم من است و با من سخن میگوید و بسخن گفتن خود مونس من گردیده است و یقین دارم که او یکی از آیات جلال و عظمت تو است؛ پس سؤال میکنم از تو که درد وضع حمل را بر من سهل و آسان فرمائی و آسانی کنی بر من ولادت را.

عباس بن عبدالمطلب و یزید بن قعب گفتند که چون فاطمه از این دعا فارغ شد دیدیم که دیوار عقب خانه کعبه شکافته شد. فاطمه از آن موضع داخل شکاف دیوار داخل خانه شد و از دیده های ما پنهان گردید و شکاف دیوار به قدرت خدا بهم پیوست باذن خدا. پس ما در صدد گشودن در خانه ی کعبه بر آمدیم، و خواستیم در خانه را بگشائیم چندانکه سعی کردیم در گشوده نشد، دانستیم که این امریست از جانب خدا واقع شده

و فاطمه سه روز در اندرون کعبه ماند و اهل مکه در کوچه و بازار و زنها در خانه ها این واقعه را نقل میکردند و تعجب می نمودند تا اینکه بعد از آنکه سه روز آنجا بودند دیگر باره همان موضع از دیوار خانه شکافته شد،

مکان ولادت در کعبه: وسط کعبه حقیقی با ملاحظه سه متر بیرون انداخته بش در حجر اسماعیل؛ امروزه در درون خانه ی کعبه، نزدیک ستون وسط محاذی مکانی که سنگ سرخی است و آن را خانه ی حمراء می گویند و خواندن دو رکعت نماز در آنجا از آداب ورود به کعبه است.

فاطمه بنت اسد بیرون آمد در حالیکه امیر المؤمنین اسدالله الغالب یعنی علی بن ابیطالب را در بغل خود و روی دست داشت خارج شد و با یک دنیا خوشحالی و سرور می گفت:

ای گروه مردم، بدرستی که حق تعالی برگزیده مرا از میان خلق خود و فضیلت داد مرا بر زنان برگزیده که پیش از من بوده اند، زیرا که حق تعالی برگزید آسیه دختر مزاحم را و او عبادت کرد خدا را پنهان در موضعیکه عبادت خدا در آنجا سزاوار نبود، مگر در حال ضرورت یعنی خانه فرعون، و برگزید مریم دختر عمران را و ولادت عیسی را بر او آسان گردانید و خود را در بیابان به درخت خشکی چسبانید و درخت خشک را جنبانید و خدا رطب تازه از برای او از آن درخت فرو ریخت، خدای رؤوف مرا برگزید و بر ایشان و جمیع زنانی که قبل از من بودند فضیلت و برتری داد، و حق تعالی مرا بر آن هر دو، زیادتی داد و همچنین بر جمعی زنان عالمیان که پیش از من گذشته اند، زیرا که من در وسط خانه برگزیده او کعبه فرزندی آوردم که برگزیده ی خدا است، و سه روز در آن خانه محترم ماندم و از میوه ها طعامهای بهشت تناول کردم،

موقعی که خواستیم از خانه ی کعبه خارج شوم در حالی که فرزند برگزیده ام را بالای دست گرفته بودم هاتفی از عالم غیب ندا در داد: یا فاطمة! سمیه علیاً فهو علی... ای فاطمه! نام کودکت را علی بگذار، او علی (یعنی دارای مقام عالی) است، و خداوند علی اعلی می فرماید: «من نام او را از نام خودم اقتباس کردم، و او را با آداب خودم تربیت نمودم، و او را بر مسائل مشکل علمی خودم آگاه ساختم، او کسی است که پیتها را در خانه ام (در درون کعبه) می شکند، و بر بالای بام کعبه اذان می گوید، و مرا تقدیس و تمجید می کند. «فطوبی لمن احبه و اطاعه، و ویل لمن ابغضه و عصاه» خوشا به سعادت آن کس که او را دوست بدارد، و از او اطاعت و پیروی کند، و وای بر کسی که با او دشمنی کند و از او نافرمانی نماید»

فاطمه بنت اسد چون از «کعبه» با فرزند عزیزش خارج گشت، نخست پدرش حضرت «ابو طالب» از آنان استقبال نموده، و میوه دلش را در آغوش گرفت، مولود کعبه در همان لحظات آغاز زندگی اش خطاب به پدر ارجمندش گفت: السلام علیک یا ابا و رحمة الله و برکاته، و ابو طالب نیز جواب سلام علی را داده و او را مورد نوازش قرار داد.

سیس پیغمبر اکرم هم وارد شدند، همینکه وارد شدند حضرت امیرالمؤمنین از روی اشتیاق برای پیامبر به جنبش درآمد، و در صورت مبارک پیغمبر اکرم (ص) خنده نمود و به آن حضرت سلام کرد: السلام عليك يا رسول الله و رحمة الله و بركاته، و آنگاه به دستور رسول اکرم صلی الله علیه و آله شروع به خواندن کتابهای آسمانی کرد، و از «صحف» آدم و نوح و ابراهیم آغاز نمود، و آیاتی را از «زبور» و «تورات» و «انجیل» قرائت کرد، بعد از آن شروع کرد به تلاوت سوره ی مبارکه ی «مؤمنون» و گفت: یسّم الله الرحمن الرحیم قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون رسول اکرم(ص) فرمود: به راستی که مؤمنان به تورستکار شده اند، سبب حضرت مولا به تلاوت بقیه سوره ادامه دادند... و بقیه سوره «مؤمنون» تا آیه دهم را با آهنگ زیبا تلاوت فرمود، تا آنجا که می فرماید: هم فیها خالدون. رسول اکرم(ص) فرمود: به خدا قسم که تو راهنمای مؤمنین خواهی بود و ایشان به وسیله ی تو هدایت خواهند شد. ...الخ.

و بدین طریق عظمت خود را به جهان انسانیت نشان داد، و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را خوشحال و خشنود ساخت (ه) ، تا جایی که پیامبر خدا در مورد علی علیه السلام فرمودند: لقد ولد لنا اللیلة مولود یفتح الله علینا به ابوابا کثیرة من النعمة و الرحمة همانا خداوند متعال برای ما در این ایام فرزندی عطا فرمودند که در سایه او درهای زیادی از نعمت و رحمت الهی به روی ما گشوده می گردد .

و همچنین از وقایع مربوط ولادت حضرت مولا؛ نام خواهی جناب ابوطالب از حضرت حق می باشد: که بعد از آنکه حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) متولد شد و از کعبه بیرون آمدند، ابوطالب او را بر سینه خود گرفت و دست فاطمه را گرفته بسوی ابطح آمد و ندا کرد باین اشعار:

یا رب یا ذا الغسق الدجی = والقمر المبتلج المضئی

بین لنا من حکمک المقضی = ماذا تری فی اسم ذا الصبی

یعنی: ای پروردگاریکه شب تاریک و ماه روشنی دهنده را آفریده، بیان کن از برای ما که این کودک را چه نام گذاریم. ناگاه مانند آبر، چیزی از روی زمین پیدا شد نزدیک ابوطالب، ابوطالب او را گرفت و با علی بسینه خود چسباند بخانه برگشت، چون صبح شد دید که لوح سبزی در آن نوشته شده است:

خصمتما بالولد الزکی = والظاهر المنتخب الرضی

فاسمه من شامخ علی = علی اشق من العلی

حاصل آنکه: مخصوص گردیدید شما ای ابوطالب و ای فاطمه بفرزند ظاهر و پاکیزه پسندیده، پس نام برزگوار او علی است که از نام خداوند علی اعلی گرفته شده است.

ابوطالب آن حضرت را علی نام کرد و آن لوح را در زاویه راست کعبه آویخت و چنان آویخته بود تا زمان هشام بن عبدالملک اموی که آنرا از آنجا فرود آورد و بعد از آن ناپیدا شد.

توضیح: هر چند جناب فاطمه بنت اسد، نامگذاری حضرتش را به: علی؛ خود در کعبه شنیده؛ و هنگام بیرون آمدن به همه مردم اعلام کرده بود؛ ولی بخاطر اهمیت معنوی و معرفتی موضوع ارتباط نام مولا با نام حق تعالی و اینکه این امر الهی است؛ لذا برای اینکه این واقعه نیز مشهود همگانی باشد؛ مراسم نام خواهی را انجام نمود؛ تا اینکه جای تردید و انکاری باقی نمانده و حجت بر همگی تمام باشد، ولذا این بار پاسخ به صورت ندا و هاتف غیبی فقط نبوده و در لوح نورانی آسمانی که ملموس و محسوس همگان است بیان شده و نازل گردید؛ و بخاطر اطلاع همه مسلمین و نسلهای آتی جناب ابوطالب آنرا در کعبه آویخت تا نسلهای آینده هم از این ارتباط معنوی مخصوص مولا با شاهد و حجت آسمانی مطلع شوند. و همه اینها برای ابلاغ معنای معرفتی این نامگذاری بوده است، و الا جنبه شهرت شخصی و سبج احوالی آن که با نامگذاری شخصی ابوطالب عملی و کافی بود.

* جناب فاطمه بنت اسد نامی هم خود برای فرزندشان انتخاب کردند: حیدرة = حیدر.

نکته: هر چند جناب فاطمه بنت اسد، نامگذاری الهی حضرتش را به: علی؛ خود در کعبه شنیده؛ و بر اساس آن حضرتش را به علی نامیده؛ و این امر را نیز هنگام بیرون آمدن به همه مردم اعلام کرده بود؛ ولی بخاطر احترام مخصوص نام الهی حضرت علی؛ و اینکه بکاربردنش آداب و شرایطی دارد؛ و در رابطه مادری و فرزندی و برستاری جنبه ظاهری "کودکی" حضرتش شاید همیشه نمی توان آن نام الهی را بکار برد، لذا نامی هم خود برای او انتخاب نمود، این نامگذاری مادرانه در همه اقوام مرسوم بوده و بعضا هنوز متداول است.

* البته نامها و القاب و کنیه های حضرت مولا بسیار است؛ و گفته اند که آن حضرت هزار نام دارد که یکی از آنها علی است. و از القاب ایشان: الوصی، امیرالمؤمنین، مرتضی، ولی الله، اسد الله، یعسوب الدین، و... و از کنیه های حضرتش: ابوتراب، ابوالحسن، ابوالحسین، ابوالریحانین و... می باشد.

* و از وقایع روز هشتم ذی حجه قدرت نامی حضرت مولا و نیز سیراب کردن مولا از زبان پیامبر و نامیده شدن آن روز به **روز ترویه**، اتفاق افتاد.

* و فردای آن روز وقایع اظهار معرفت نمودن حضرت مولا نسبت به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله در **روز عرفه** واقع شد. * و بعد از آن اطعام بسیار عظیم ابوطالب در **روز عید قربان** اتفاق می افتد، که حضرت «ابوطالب» چون فرزند عزیز خود را تحویل گرفت و معجزات و کرامات وی را مشاهده کرد، به میان مردم آمده و ندا در داد: «ای مردم! برای ولیمه فرزندم «علی» حاضر شوید» و تعداد سیصد نفر شتر، و هزار راس گاو و گوسفند در ولیمه حضرت علی قربانی کرد، و با تمام محبت و ادب از عموم مردم شرکت کننده پذیرایی نمود.

و بالجمله ولادت باین کیفیت و فضیلت از خصایص آن حضرت است چه اشرف بقاع، حرم مکه است و اشرف مواضع حرم، مسجد است و اشرف مواضع مسجد، خانه کعبه است واحدی غیر از امیر المؤمنین (علیه السلام) در چنین مکانی متولد نشده.

و متولد نشد مولودی در شهر الله الحرام در خانه کعبه، بیت الله الحرام، سوای امیر المؤمنین ابوالاثمه الکرام علیه و علی اولاده افضل التحیة و الاف السلام.

هذه من علاه احدی المعالی = و علی هذه فقس ما سواها

ای سنائی بقوت ایمان = مدح حیدر بگو پس از قران

با مدیحش مدائح مطلق = زهق الباطل است و جاء الحق

در پس پرده آنچه بود آمد = اسدالله در وجود آمد

ما لف خرق القوايل مثله = الا ابن آمنة النبي محمد

شيخ مفيد (قدس سره) ميگويد : لم يولد قبله ولا بعده مولود في بيت الله سواه ، إكراما من الله جلّ اسمه ، وإجلالا لمحلّه في التعظيم . هيچکس قبل وبعد او در خانه خدا به دنيا نيامده است ، کرامتي از خدا وإجلالي براي مقام عظيم او . مصنفات الشيخ المفيد (المقنعة) : ج ۱ ، ص ۴۶۱ - مسار الشيعة : ج ۷ ، ص ۵۹ - الارشاد : ۵/۱ مج ۱۱

برخي از منابع کلام خازنان وحي که ذکر امر ولادت حضرت مولا در کعبه در آن آمده است:

اصول کافی ج ۱ ص ۴۵۲ ح ۱ و ۲ ، الخرائج و الجرائح ج ۱ ص ۱۷۱ ش ۱ ، مدينة المعاجز ص ۵ ، بحار الانوار ج ۳۵ ح ۵ و ۶ بحار الانوار ج ۳۵ ص ۱۰ تا ۱۶ ، بحار ج ۳۵ ص ۲۵ ح ۱۷ ج ۱۴ بحار الانوار ج ۳۵ ص ۲۲ و ۳۷ ، جلاء العيون شبر ج ۱ ص ۲۳۷ تا ۲۴۱ شجره طوبى ج ۲ ص ۲۱۶ مجلس سوم ، الغدير ج ۶ ص ۲۲ منتهى الآمال ص ۱۴۲ ، وسائل الشيعة ج ۱۵ ص ۱۴۴

البته بزرگان و محققين بسياري نيز؛ کتابهاي مستقلي در موضوع ولادت حضرت مولا در کعبه نوشته اند؛ که به عنوان نمونه يکي را معرفي مي کنيم:

علامه اوردوبادي کتابي به نام (علي وليد الكعبة) دارند که در اين کتاب ولادت حضرت علي (عليه السلام) را در کعبه با أدله نقلي متواتر اثبات کرده اند ؛ کتاب ايشان هم در ۷ فصل و عنوان مختلف است:

- ۱- حديث تولد مبارك وتواتر آن
- ۲- حديث تولد مبارك بين امت اسلام مشهور است
- ۳- محدثان و خير ولادت
- ۴- نسب شناسان و حديث ولادت
- ۵- مؤرخان و حديث ولادت
- ۶- شعراء ، آدباء و حديث ولادت
- ۷- إجماع بر حديث ولادت



ولادت حضرت مولا در کعبه به نقل منابع سایر مسلمین

۱- **حاکم نیشابوری**: از علماء بزرگ عامه که کتاب مستدرک (تکمیل) صحیح بخاری و صحیح مسلم را تحقیق و تالیف کرده است، میگوید: فقد تواترت الاخبار ان فاطمة بنت اسد ولدت أمير المؤمنين علي بن ابي طالب كرم الله وجهه في جوف الكعبة. أخبار به تواتر رسیده است که فاطمه بنت اسد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (کرم الله وجهه) را در کعبه به دنیا آورده است. المستدرک، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۴۸۳

۲- **شهاب الدین آلوسی**: علامه امینی (رضوان الله تعالی علیه) در الغدير: ج ۶، ص ۲۲ نقل میکند که مفسر شهیر و به نام اهل تسنن؛ شهاب الدین آلوسی صاحب تفسیر کبیر در شرح قول عبد الباقی الأفندی العمري بعد از شعر مؤلف کتاب: أنت العلي الذي فوق العلي رفعا * بطن مكة عند البيت إذ وضعا میگوید: وكون الأمير كرم الله وجهه ولد في البيت أمر مشهور في الدنيا وذكر في كتب الفريقين السنة والشيعة... تا آنجا که میگوید... ولم يشتهر وضع غيره كرم الله وجهه كما اشتهر وضعه بل لم تتفق الكلمة عليه، وما أحرى بإمام الأئمة أن يكون وضعه فيما هو قبلة للمؤمنين؟ وسبحان من يضع الأشياء في مواضعها وهو أحكم الحاكمين. واین که حضرت امیر (کرم الله وجهه) در خانه خدا به دنیا آمده؛ امری است مشهور و در کتب فریقین سنی و شیعی ذکر شده... تا آنجا که میگوید... ودر باره کسی نشنیدیم که او هم در کعبه به دنیا آمده باشد آنچنانکه در باره حضرت (کرم الله وجهه) ذکر شده، وجه افتخاری برای امام ائمه است که در جائی که قبله مؤمنین است به دنیا آمده باشد؟ سبحان خداوندی که اشیاء را در مکان مناسبش میگذارد. شرح الخريدة الغيبية في شرح القصيدة العينية، ص ۱۵ در ص ۷۵ بعد از کلام الأفندی العمري میگوید: وأنت أنت الذي حطت له قدم * في موضع يده الرحمن قد وضعا

در اینجا مطلب مهمی را نقل می کند که هر چند نام منبع را ذکر نمی کند؛ ولی با توجه به اهمیت مضمونش حتماً کوبنده آن شخص بسیار مهمی بوده است ولی چون محتوای کلام فراتر از عقول مقصره است؛ به لحاظ رعایت حفاظت نام کوبنده را نمی برد و می گوید:

وقيل: أحب عليه الصلاة والسلام (يعني علياً) أن يكافئ الكعبة حيث ولد في بطنها بوضع الصنم عن ظهرها فإنها كما ورد في بعض الآثار كانت تشتكي إلى الله تعالى عبادة الأصنام حولها وتقول: أي رب حتى متى تعبد هذه الأصنام حولي؟ والله تعالى يعدها بتطهيرها من ذلك. هـ. گفته شده: که او (سلام و صلوات بر او باد) - یعنی علی - دوست داشت که کعبه را مشرف و از کعبه قدردانی کند با افتادن بت ها از روی آن جائی که او در داخلش به دنیا آمده است، همانطور که در بعضی آثار ذکر شده است که کعبه به خداوند (تبارک و تعالی) از برستیدن بت ها شکایت میکرد و میگفت: خداوند تا کی این بت ها نزدیک من برستش میشوند؟ خدا هم وعده میداد که کعبه را از بت ها مطهر کند.

۳- **حافظ کنجی شافعی** نقل میکند از طریق ابن النجار از حاکم نیشابوری، گفت: ولد أمير المؤمنين علي بن ابي طالب بمكة في بيت الله الحرام ليلة... الجمعة لثلاث عشرة ليلة خلت من رجب سنة ثلاثين من عام الفيل ولم يولد قبله ولا بعده مولود في بيت الله الحرام سواه إكراما له بذلك، وإجلالا لمحلته العظيم. شب جمعه ۱۳ رجب سال ۳۰ عام الفيل امیر المؤمنین علی بن ابی طالب در بیت الله الحرام در مکّه به دنیا آمد، و در بیت الله الحرام هیچ کسی نه بعد و نه قبل او آنجا به دنیا آمده است، و این کرامتی است برای او، و اجلال از منزلت عظیمش. کفایة الطالب: ص ۴۰۷

۴- **احمد بن عبد الرحيم دهلوي** مشهور به شاه ولي الله محدث دهلوي صراحت دارد: تواترت الأخبار أن فاطمة بنت اسد ولدت أمير المؤمنين علياً في جوف الكعبة. فإنه ولد في يوم الجمعة ثالث عشر من شهر رجب بعد عام الفيل بثلاثين سنة في الكعبة، ولم يولد فيها أحد سواه قبله ولا بعده. أخبار به تواتر رسیده است که فاطمه بنت اسد در کعبه امیر المؤمنین علی را به دنیا آورد..... و کسی نه قبل از او و نه بعد از او در کعبه بنیا نیامده است. إزالة الخفاء: ج ۲، ص ۲۵۱

۵- **علامه ابن صباغ مالکی** گوید: علی علیه السلام در مکه مشرفه در داخل بیت الحرام (کعبه) در روز جمعه سیزدهم ماه خدا یعنی ماه رجب سال سی ام عام الفیل و بیست و سه سال پیش از هجرت به دنیا آمد... و برخی گفته اند: ده سال پیش از هجرت... و پیش از او هیچکس در کعبه متولد نشد، و این فضیلتی است که خداوند به جهت بزرگداشت و بالا بردن مقام و اظهار کرامت او مخصوص حضرتش گردانیده است.

۶- **شیخ مؤمن بن حسن شبلنجی** گوید علی بن ابی طالب پسر عموی رسول خدا، تیغ آهیخته خداست که در مکه و بنا بر قولی در داخل کعبه به دنیا آمد در روز جمعه سیزدهم رجب الحرام سال سی ام عام الفیل و بیست و سه سال پیش از هجرت، و بنا بر قولی بیست و پنج سال، و دوازده سال پیش از مبعث، و بنا بر قولی ده سال، و پیش از او هیچ کس در کعبه متولد نشد.

۷- **علامه صفوری** گوید: علی را مادرش در درون کعبه که خدایش شرافت دهد بیزاد، و این فضیلتی است که خداوند او را بدان مخصوص گردانیده است.

۸- **علامه برهان الدین حلبی شافعی** در ضمن کلامی طولانی گفته است: ... زیرا آن حضرت در کعبه متولد شد در زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سی سال داشت.

۹- **عباس محمود العقاد** میکوید : ولد علي في الكعبة ، وكرم الله وجهه عن السجود لأصنامها ، فكأنما كان ميلاده ثمّة إيذانا بعهد جديد للكعبة وللعبادة فيها ، وكاد علي أن يولد مسلما ، بل لقد ولد مسلما على التحقيق إذا نحن نظرنا ميلاد العقيدة والروح ، لأنه فتح عينيه أمام الإسلام ، ولم يعرف قط عبادة الأصنام ، فهو قد تربى في البيت الذي خرجت منه الدعوة الإسلامية 6- عقاد گوید: علی در درون کعبه متولد شد و خداوند روی او را گرامی داشته بود از اینکه به بتها سجده کند، و هیچگاه برای بت ها سجود نکرد ، گویی میلاد او در آنجا اعلام عهد جدیدی برای کعبه و عبادت در آن بود، علی نزدیک بود که در دوره اسلامی به دنیا آید بلکه تحقیقا مسلمان دیده به جهان گشود اگر ما به میلاد عقیده و روح بنگریم، زیرا دیدگانش را به اسلام گشود و هرگز با پرستش بتها آشنایی نداشت، و او در خانه‌ای بالید که دعوت اسلامی از آن آغاز شد. خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم . (عبقریة الإمام علي : ج ۷ ، ص ۴۲ - چاپ بیروت - علی علیه السلام فرزند کعبه، امیرالمؤمنین علی ابن ابی‌طالب علیه السلام ص ۶۳۷

- ۱- مروج الذهب ، ابو الحسن مسعودي هذلي : ج ۲ / ص ۲ چاپ مصر
- ۲- تذكرة خواص الأمة ، سبط ابن الجوزي حنفي : ص ۷
- ۳- الفصول المهمة ، ابن الصباغ مالکي : ج ۱ / ص ۱۷۲ به نقل از ابن المغازلي ، ص ۱۴ ، ص ۳۰
- ۴- السيرة النبوية ، نور الدين علي حلي شافعي : ج ۱ / ص ۱۵۰
- ۵- شرح الشفا ، شيخ علي القاري حنفي : ج ۱ / ص ۱۵۱
- ۶- مطالب السؤول ، ابو سالم محمد بن طلحه شافعي : ص ۱۱ ، ص ۱۵۶
- ۷- محاضرة الأوائل ، شيخ علاء الدين سكتواري : ص ۱۲۰
- ۸- نزهة المجالس ، عبد الرحمن الصفوري شافعي : ج ۲ / ص ۲۰۴
- ۹- آيينه تصوف ، شاه محمد حسن جشتي : ص ۱۳۱۱
- ۱۰- روائع المصطفى ، صدر الدين أحمد بردواني : ص ۱۰ چاپ ۱۳۰۲ هـ
- ۱۱- كتاب الحسين ، سيد علي جلال الدين : ج ۱ / ص ۱۶
- ۱۲- نور الأبصار ، محمد مؤمن شيلنجي : ص ۷۶ ، ص ۷۲ چاپ مصر
- ۱۳- كفاية الطالب ، شيخ حبيب الله شنقيطي : ص ۳۷ ، ص ۲۵
- ۱۴- النعيم المقيم ، عمر بن محمد بن عبد الواحد : ص ۱۶ مخطوط كتابخانه آياصوفيا - تركيه ،
- ۱۵- إثبات الوصية ، أبو الحسن مسعودي هذلي : ص ۱۵۵ چاپ ایران
- ۱۶- سير الخلفاء ، عبد الحميد خان دهلوي : ج ۸ / ص ۲
- ۱۷- إنسان العيون ، الحلبي : ج ۱ / ص ۱۶۵
- ۱۸- مرآة الكائنات ، نشانچه زاده : ج ۱ / ص ۲۸۲
- ۱۹- كفاية الطالب ، كنجي شافعي : ص ۲۶۰ باب ۷
- ۲۰- ينابيع المودة ، قندوزي حنفي : ج ۲ / ص ۲۰۶
- ۲۱- فراند السمطين ، أبو المعالي حموي جويني : ج ۱ / ص ۴۲۵ ح ۳۵۴
- ۲۲- المناقب ، ابو الحسن واسطي جلابي مالكي ، مشهور به ابن المغازلي : ص ۵۴ ح ۳ تحقيق : محمد كاظم محمودي - چاپ مجمع تقريبات بين مذاهب إسلامي - ایران ۱۴۲۶ هـ
- ۲۳- معارج الوصول ، زرندي : ذيل ترجمه أمير المؤمنين (عليه السلام)
- ۲۴- المناقب ، أمير محمد صالح ترمذي
- ۲۵- مدارج النبوة ، شيخ عبد الحق دهلوي
- ۲۶- تاريخ كزيده ، حمد الله مستوفي
- ۲۷- مفتاح الفتوح ، أحمد بن المنصور الكازروني
- ۲۸- مفتاح النجا في مناقب آل العبا ، ميرزا محمد بدخشي
- ۲۹- شرح ابن ابى الحديد ج ۴ ص ۱۵
- ۳۰- إيضاح المكنون : ج ۲ / ص ۶۶۱ ، أهل البيت - عليهم السلام- في المكتبة العربية .

.....

محدث قمی در این مقام گوید: یا ابا الحسن یا امیرالمؤمنین! میخواستیم در آن مقام بذکر چند حدیثی از فضایل تو تبرک جویم، لکن کلام خلیل بن احمد را بخاطر آوردم و با خود گفتم:

چه منقبتی بنویسم از کسیکه دشمنانش پیوسته سعی میکردند در خاموش کردن نور در فضائل او و دوستانش را یاری ذکر مناقب او نبود و از ترس اعداء و تقیه از دشمنان کتمان فضائل او می نمودند، با این حال اینقدر از مناقب و فضائل آن نور عالم تاب بر مردم ظاهر شد که شرق و غرب عالم را فرا گرفت و دوست و دشمن بذکر مدائش رطب اللسان و عذب البیان گشتند. **شهد الانام بفضله حتی العدى = والفضل ماشهدت به الاعداء**

* ابن شهر آشوب نقل کرده که: اعرابیه را در مسجد کوفه دیدند که می گفت ای آن کسی که مشهوری در آسمانها و مشهوری در زمینها و مشهوری در آخرت، سلاطین جور و جباره زمان همت بر آن گماشتند که نور ترا خاموش کنند خدا نخواست و روشنی آنرا زیادتیر گردانید. گفتند: از این کلمات چه کس را قصد کرده ای گفت: امیرالمؤمنین (علیه السلام) را. این بگفت و از دیده ها غائب گشت.

* بروایات مستفیضه از شعبی روایت شده که می گفت پیوسته می شنیدم که خطبای بنی امیه بر منابر سب امیرالمؤمنین میکردند و از برای آنحضرت بد میگفتند با این حال گویا کسی بازوی آن جناب را گرفته و باسماں میبرد و رفعت و مرتبت او را ظاهر مینمود و نیز میشنیدم که پیوسته مدائح و مناقب اسلاف و گذشتگان خویش را می نمودند و چنان مینمود که مرداری را بر مردم مینمودند و جیفه را ظاهر میکردند که بدی و عفونت آنها بیشتر ظاهر میشد.

یا اباالحسن یا امیرالمؤمنین! بابی انت وامی، فضائل ترا هیچ بیان و زبان برنسنجد و در هیچ باب و کتاب درنگنجد و چگونه توان کلمات الله و نعمه الله را احصاء کرد و ان تعدوا نعمه الله لا تحصوها و فی الحقیقه فضائل ترا احصاء نمودن آب دریا را بغرفه

کتاب فضل ترا آب بحر کافی نیست = که تر کنی سرانگشت و صفحه بشماري
تعالیت عن مدح فابلیغ خاطب = بمدحك بین الناس اقصر قاصر
اذا طاف قوم فی المشاعر والصفاء = فقبرك ركنی طائف و مشاعری
و ان ذخر الاقوام نسك عبادة = فحبك اوفی عدتی و ذخائری

و این احقر که به اموری دقیق نیازم چگونه خود را در این بحر عمیق اندازم قلم بر دست گیرم و در این باب چیزی نویسم و
لنعم ما قیل:

قیل لی قل فی علی مدحة = ذکرها یخمد ناراً مؤصده
قلت لا اقدم فی مدح امرء = حار ذواللب الی ان عنده
والنبي المصطفى قال لنا = لیلۃ المعراج لما صعده
وضع الله علی کتفی یداً = فاحسن القلب ان قد برده
و علی واضع اقدامه = فی محل وضع الله یده



منظور الكعبة المشرفة قبل أعمال الترميم

تحقیق در تاریخ ولادت حضرت مولا علی رضی الله عنه

روز : ولادت حضرت علی (صلوات الله علیه) ۳۰ سال بعد از عام الفیل، و ۲۳ سال قبل از هجرت.

۱- در منابع حدیث و تاریخ اسلامی؛ تواریخ بسیاری در ولادت حضرت مولا علی (علیه السلام) ذکر شده است؛ از جمله روزهای مختلفی از ماههای رمضان و ذی حجه و رجب و شعبان.

۲- تاریخ ۱۳ رجب به عنوان ولادت حضرت مولا علی (صلوات الله علیه) نزد عامه غیر شیعه مشهور است.

۳- منشأ رواج تاریخ ۱۳ رجب به عنوان ولادت حضرت مولا علی (صلوات الله علیه) در میان شیعیان، جشن گرفتن این مناسبت بوده است.



۴- شروع عیدگرفتن این مناسبت در ایام دیالمة (هزارسال قبل) در بغداد بوده است، از آنجا که در آنوقت ساکنان غیر شیعه بغداد بسیار بوده است، اولین سالی که تصمیم به جشن گرفتن میلاد حضرت مولا گرفته شد، برای اینکه این موضوع برای غیرشیعه هم قابل قبول باشد، لذا تاریخ ۱۳ رجب را که به عنوان ولادت حضرت مولا علی (صلوات الله علیه) در میان غیر شیعه معروف بوده است، انتخاب کردند، تا به نحوی ملاحظه همه مردم بشود.

۵- استمرار چندین ساله عیدگرفتن و برکزاری جشنها در ۱۳ رجب به عنوان ولادت حضرت مولا علی (صلوات الله علیه) سبب گردید تا این تاریخ (۱۳ رجب) در میان عامه شیعه به عنوان ولادت حضرت مولا علی (صلوات الله علیه) مشهور و رایج گردد.

۶- از اموری که موجب تشدید این شهرت شده، روایت ولادت حضرت امام هادی (صلوات الله علیه) در ۱۳ رجب است، با توجه به اشتراک نام (علی) و کنیه (ابوالحسن) هر دو امام معصوم (علیها السلام) این نکته قابل توجه است.

۷- دلیل قاطع و شاهد صریح عدم وقوع ولادت حضرت امام علی (علیه السلام) در ماه رجب؛ دعای حضرت صاحب الأمر (منه السلام) در هر

روز ماه رجب است، که از ناحیه مقدسه وارد شده و به شیعیان توصیه گردیده که هر روز ماه رجب خدای را به آن بخوانند، و در همه منابع کلام خازنان وحی (علیهم السلام) و کتب ادعیه و اعمال ماه رجب؛ از جمله مفاتیح الجنان ذکر شده است. و عموم مؤمنین با آن آشنا بوده و جزو اذکار روزانه شان در این ماه بوده، و در هر مسجد و خانه خوانده می شود.

۸- در این دعای شریف (اللهم اني اسئلك بالمولودين في رجب محمد بن علي الثاني وابنه علي بن محمد المنتجب واتقرب اليهما خير القرب...) می بینیم که حضرت امام زمان (منه السلام) در ماه رجب خداوند را قسم می دهند به آن دو وجود مقدسی که در این ماه رجب دنیا آمده اند، و به صراحت و تفصیل نام مبارک ایشان را ذکر می کنند؛ حتی با همه اوصاف تمییزی که مانع اشتباه یا ایهام بر اثر تشابه اسمی است.

۹- بنا به علم و دانش کامل و اطلاع جامع حضرت صاحب الأمر (منه السلام) و بیان صریحشان؛ آن دو امامی که فقط ایشان در ماه رجب دنیا آمده اند؛ حضرت امام جواد و حضرت امام هادی می باشند، که چون نام حضرت جواد (محمد بن علی) شبیه نام حضرت امام باقر (محمد بن علی) است، لذا حضرت صاحب الأمر (منه السلام) در دعای هر روز ماه رجبشان به وصف "الثاني" مشخص می نمایند که منظورشان حضرت امام جواد (علیه السلام) است. و اگر جز این دو امام؛ امام دیگری در ماه رجب به دنیا آمده بود؛ حضرت صاحب الأمر (منه السلام) از آن مطلع بوده؛ و در دعای هر روز ماه رجبشان در ذکر مولودین ماه رجب؛ نام ایشان را نیز می بردند، خصوصا اگر آن امام حضرت مولا علی (علیه السلام) باشد، که سید و سرور امامان اثناعشر (علیهم السلام) است.

السلام) بوده و اولی به ذکر و قسم دادن به نام اوست، بنا براین وقتی حضرت صاحب الأمر (منه السلام) مولودین در ماه رجب را یاد می کنند؛ فقط نام دو امام (نهم و دهم) را برده اند نه نام امام دیگری؛ این واضح است که فقط این دو امام در ماه رجب دنیا آمده اند و سائر امامان (علیهم السلام) در ماه رجب دنیا نیامده اند.

لذا بنابر بیان صریح حضرت صاحب الأمر (منه السلام): تنها ولادت حضرت امام جواد و حضرت امام هادی علیهما السلام؛ در ماه رجب واقع شده است، بنابر بیان صریح حضرت صاحب الأمر (منه السلام): ولادت حضرت امام علی یا ولادت حضرت امام حسین یا ولادت حضرت امام سجاد یا ولادت حضرت امام باقر یا ولادت حضرت امام صادق یا ولادت حضرت امام کاظم یا ولادت حضرت امام مهدی (علیهم السلام)؛ در ماه رجب اتفاق نیافتاده؛ هر چند برخی اقوال در بعضی از کتب و تواریخ مطرح باشد، و بخاطر مخالفت صریح این اقوال و احتمالات با بیان صریح حضرت صاحب الأمر (منه السلام)؛ کلیه اقوال مذکور در این باره صحیح نمی باشد، هر چند برخی از آنها نزد عامه مشهور و محل برگزاری جشنها و مراسم مفصلی باشد. البته قبلاً مکرراً بیان کرده ایم: که رسیدن به نظریه صحیح در تاریخ یکی از ایام محترمه و التزام مناسب آن؛ منافاتی با توسل و تذکر در تواریخ دیگر نداشته، بلکه استفاده معنوی در همه ایام؛ از جمله ایامی که نزد عامه ناس شایع است؛ نیز بسندیده می باشد.

۱۰- همه مسلمانان اعتراف دارند که ولادت حضرت مولا علی (علیه السلام) در کعبه اتفاق افتاده است، و در نزد همه شیعیان تنها يك حدیث مفصل هست که واقعه ولادت را مشروحاً بیان می کند، این حدیث توسط بزرگان مشایخ حدیث اهل بیت علیهم السلام در بسیاری از منابع و کتب حدیث نقل شده است، در این حدیث هر چند تاریخ خاصی را تصریح نمی کند، ولی در بیان واقعه نقل می کند که جناب فاطمه بنت اسد بعد از آن که وارد کعبه شد، و در آنجا فرزند خود حضرت علی را بدنيا آورد، سه روز در کعبه باقی ماند، و در این روز بیرون آمد، آن روز روز ترویبه بود، و... فردایش روز عرفه و... فردای این روز عید قربان بود، با توجه به این نکات روز ولادت مصادف با ششم ذی حجه می باشد.

۱۱- بنابر نص صریح کلام شریف روز بیرون آمدن از کعبه ۸ ذی حجه بوده، سه روز هم داخل کعبه بوده اند، حال این سؤال ممکن است مطرح شود که:

سؤال: روز تولد بنجم ذی حجه است یا ششم ذی حجه؟

جواب: اگر روز بیرون آمدن روز بعد از اتمام سه روز باشد، روز هشتم جزو سه روز حساب نشده، و نتیجتاً روز بنجم ذی حجه روز ولادت می شود، اما اگر سه روز در کعبه بوده باشند؛ و همان روز سوم در میانه یا عصر روز بیرون آمده باشند، روز ششم روز ولادت حضرتش می شود،

از آنجا که نص کلام شریف چنین است: فلما كان بعد ثلاثة أيام... یعنی بعد از آنکه سه روز (یکشنبه دوشنبه و سه شنبه) را آنجا بودند؛ یعنی که روز ششم و هفتم و هشتم را در کعبه بوده اند، و چون تصریح به آمدن روز چهارم نشده است، لذا در عصر همان روز سوم (هشتم ذیحجه) از کعبه بیرون آمده اند، و تاریخ ولادت حضرتش می شود: ششم ذی حجه مبارکه، برخی از مترجمین یا ناقلین مضمون حدیث؛ تعبیر روز چهارم را از برداشت شخصی خودشان توضیحاً آورده اند، که این تعبیر در متن اصلی کلام شریف وجود ندارد، و معلوم است که برداشت شخصیشان است.

این برداشت دقیق و صحیح نبوده چه اینکه در زبان عربی اگر بخواهند چنین تعبیر کنند می گویند: فلما كان اليوم الرابع... یعنی وقتی روز چهارم شد... که چنین تعبیری در اصلاً کلام شریف نیست،

همانطور که در فارسی نیز این روش متداول است: شخصی به زیارت مشهد مقدس می رود و روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه به زیارت مشرف می شود و همان روز به وطنش باز می گردد، اگر او بگوید من این سه روز را آنجا بودم و برکشتم صحیح گفته است. مهم این است که این روزهای (یکشنبه تا سه شنبه) را که سه روزند به زیارت موفق بوده هر چند همان روز سوم بازگشته باشد، و لازم نیست روز چهارم شروع شود تا بتواند بگوید این سه روز را مشهد بودم.

این معنا (ولادت در ششم) نزد خواص اهل معرفت معلوم بوده؛ و بزرگان اهل ادب که واقعه ولادت را به شعر سروده و تاریخ ولادت در ذیحجه را نقل کرده اند نیز همین تاریخ ششم را تصریح کرده اند؛ برخی از این اشعار در تابلوی اول این مرسوله درج شده است.

بعد از ظهر روز هشتم و یوم ترویبه: در این واقعه ولادت سه مرحله شاخص حج به نحو نمادین؛ یا به نحو حقیقی و باطنی (در نزد خواص) اتفاق افتاده است،

حجاج بعد از ظهر روز هشتم (ترویبه) از خانه و منزلشان در مکه یا مسجد الحرام محرم بیرون می آیند به قصد حج، حضرت مولا علی علیه السلام هم در آغوش مادرشان در همین وقت از خانه کعبه که هم منزل اصلیشان است، و هم از مسجد الحرام در قناده بهشتی سفید بیچیده شده در حالیکه قبل آن به آب بهشتی شسته شده اند؛ بیرون می آیند.

حجاج در روز نهم (عرفه) در عرفات به اعمال عرفه که اصل آن اظهار معرفت به آئین حق است، مشغول باید باشند، حضرت مولا در روز نهم (عرفه) در عرفات حضور رسول الله اظهار معرفت مفصل به آئین حق می نمایند، حجاج در روز دهم و قربانی می کنند، حضرت ابوطالب در این روز (همان سال ولادت مولا) به شکرانه آن ۳۰۰ شتر و ۱۰۰۰ کاو و کوسفند قربانی نموده و حجاج را اطعام نمود.

۱۲- **خلاصه:** بنابر بیان صریح حضرت صاحب الأمر (منه السلام) ولادت حضرت امام علی (علیه السلام) در ماه رجب واقع نشده، بلکه بنا بر مفاد حدیث مفصل شرح ولادت حضرت مولا در کعبه، این واقعه در ششم ذی حجه مبارکه اتفاق افتاده است. از این رو در تقویم نجومی جامع بنیاد حیات اعلی بیان شد که این واقعه شریفه ولادت حضرت امیر (صلوات الله علیه) در تاریخ ششم ذی حجه مبارکه اتفاق افتاده است.

تذکر: قبلاً به این نکته اشاره کرده ایم که: هدف از نقل اقوال مختلفه در تواریخ تقویم اهل حق؛ بالابردن دامنه آگاهی دینی کاربران تقویم جامع می باشد، و هم اینکه بدانند قول شایع میان عامه تنها نظریه ثبت شده در این زمینه نمی باشد، و اگر بنا بر تحقیق و شواهد معتبر؛ تاریخ دیگری در موردی ترجیح داده شد، تصور و فهم آن آسان باشد. از جمله اقوالی که از نظر تحقیق معتبر نمی باشد و صرفاً جهت توسعه دانش کاربران تقویم جامع نقل شده است، تمام اقوال راجع به ولادت غیر از حضرت امام جواد و حضرت امام هادی (علیهما السلام) از سایر امامان اثنا عشر (علیهم السلام) از جمله حضرت امام علی (علیه السلام) در ماه رجب می باشد.

شما می از اسرار ولادت حضرت مولا علی رضی اللہ عنہم در کعبه مشرف

که بزرگان دین و ادب با استخام صنایع ادبی در کلام منظوم بدان حقایق و اسرار اشارات لطیف داشته اند

۱- سروده آیه الله سید اسماعیل شیرازی: از فقهای مکتب سامراء و شاکردان میزاري شیرزاي بزرگ (تحریم تنباکو) و والد ماجد مرجع عالیقدر شیعه (بعد از آیت الله ابوالحسن اصفهانی و قبل از آیت الله بروجردی) آیت الله سید عبد الهادی شیرازی (رحمة الله علیهم اجمعین) - بهره مندی از نکات و دقایق این قصیده؛ افزون بر تسلط به زبان عربی و صناعات ادبی؛ نیاز به بهره مندی از حقایق معرفتی دارد، ولی برای اینکه همگان به نحوی از آن بهره مند باشند؛ ترجمه فارسی اشعار را نیز می آوریم؛ هر چند ترجمه ولو دقیق و قوی باشد؛ گویایی کامل متن اصلی را ندارد. از جمله مطالب مهمی که در ترجمه فارسی نیست؛ اینکه سراینده قطعات آیات قرآنی و برخی کلمات خازنان وحی را بر حسب مقام بکار برده که افزون بر مفاد و مضمونش؛ نکات و اسرار مربوط به آن آیات و کلمات را نیز در این مقام اشاره می کند، و این اشارات و دلالات در ترجمه منعکس نیست، و بیان همه آنها نوشتن کتاب مستقلی در شرح این قصیده را می طلبد.

آنست نفسی من الکعبة نور = جانم نوری را از کعبه مشاهده کرد
مثل ما آنس موسی نار طور = همانند همان آتشی که موسی از کوه طور دید.
یوم غشی الملاً الأعلى سرور = روزی که عالم بالا را سرور و شادی پر کرده بود
قرع السمع نداء کنذا = به گوش رسید ندایی مانند ندایی که
شاطیء الوادی طوی من حرم = از ساحل وادی مقدس طوی از حرم الهی

ولدت شمس الضحی بدر التمام = خورشید درخشان ماه تابان را بزاد
فانجلت عنا دیاحیر الظلام = پس تاریکیهای شبهای تاریک ما برطرف شد
نادیا بشراکم هذا غلام = در آن حال ندا بلند شد: مزده باد شما را که کودکی
وجهه فلقه بدر یهتدی = ماه پاره به دنیا آمد
بسنا أنواره فی الظلم = که از نور چهره اش در تاریکیها راه جویند

هذه فاطمة بنت أسد = این فاطمه دختر اسد است
أقبلت تحمل لاهوت الأبد = که لاهوت ابد را در آغوش گرفته و پیش می آید
فاسجدوا ذلا له فیمن سجد = پس همگی در برابر او در زمره ساجدان سر خاکساری به زمین بسایید
فله الأملاك خرت سجدا = که فرشتگان در برابر او سجده کرده اند
إذ تجلی نوره فی آدم = آن گاه که نور او در آدم تجلی کرد

كشفت الستر عن الحق المبين = پرده از چهره حق مبین برداشته شد
و تجلی وجه رب العالمین = و چهره رب العالمین نمایان گشت
و بدا مصباح مشکاة الیقین = و چراغ مشکات یقین آشکار شد
و بدت مشرقة شمس الهدی = و خورشید هدایت درخشید
فانجلی لیل الضلال المظلم = و در نتیجه شب تیره گمراهی به روشنی بدل گردید

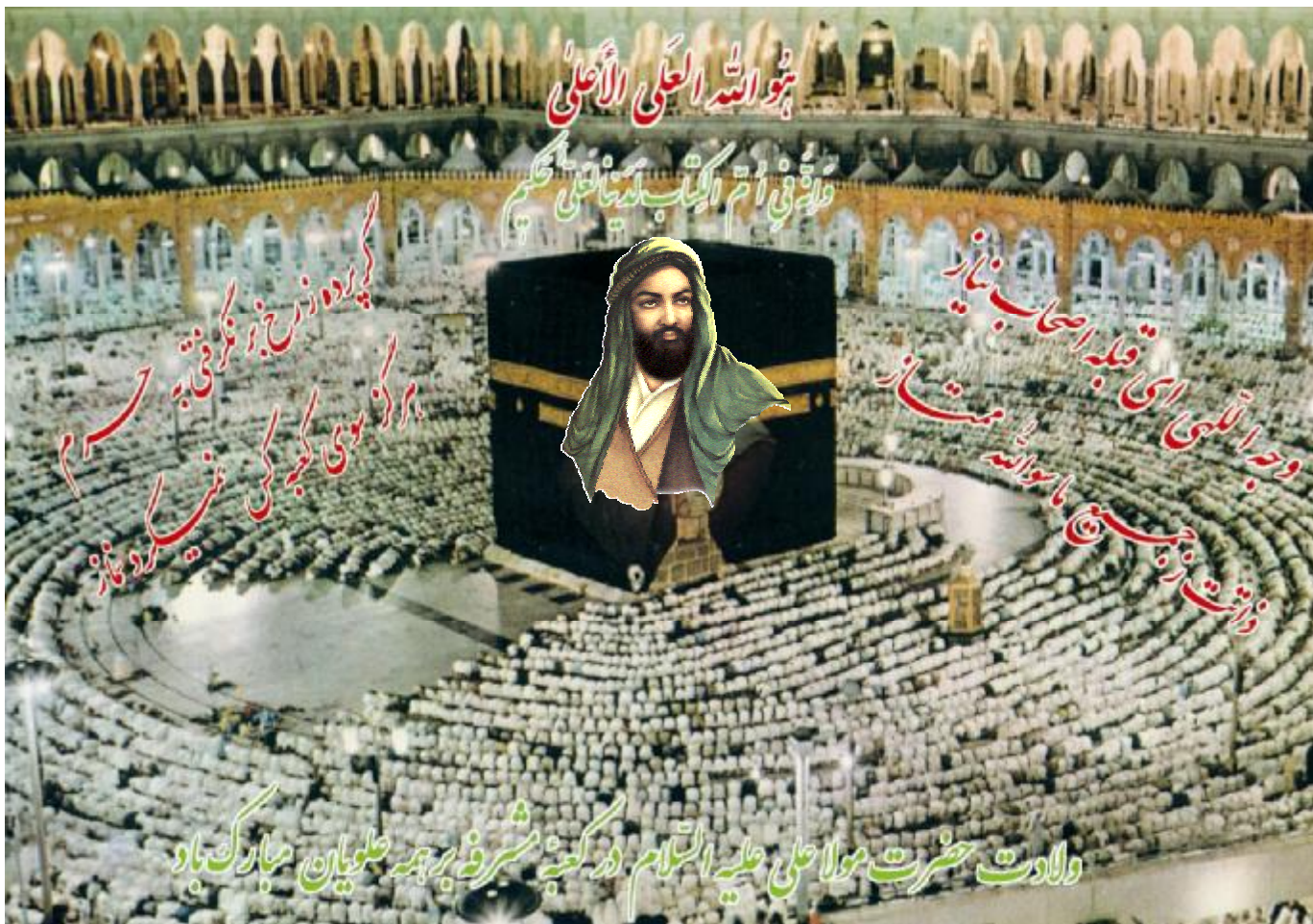
نسخ التابید من نفي تری = حکم نفی ابدی از دیدن حق نسخ شد
فأرانا وجهه رب الوری = و پروردگار عالمیان چهره خود را به ما نمود
لیت موسی کان فینا فیری = کاش موسی در میان ما بود و می دید
ما تمناه بطور مجهدا = از آنچه را که با خواهش فراوان آرزو نمود
فانثنی عنه بکفی معدم = ولی با دست خالی بازگشت

هل درت ام العلی ما وضعت؟ = آیا مادر علو و والایی دانست که چه مولودی به دنیا آورد؟
أم درت ثدی الهدی ما أرضعت؟ = یا پستان هدایت دانست که چه طفلی را شیر داد؟
أم درت کف النهی ما رفعت؟ = آیا دست عقل دانست که چه کودکی را بر سر دست گرفت؟
أم دری رب الحجی ما ولدا؟ = یا خداوند خرد دانست که چه مولودی را زاده؟
جل معناه فلما یعلم = حقیقت او بسی والاست و هرگز آنها ندانسته اند که چه آورده اند

سید فاق علا کل الأنام = او سروری است که بر همه آفریدگان برتری دارد
کان إذ لا کائن و هو إمام = و آن گاه که هیچ موجودی نبود او بود و مقام امامت داشت
شرف الله به بیت الحرام = خداوند کعبه را شرافت بخشیده
حین أضحی لعلاه مولدا = از آن رو که زادگاه اوست
فوطی تربته بالقدم = و این مولود بر خاک آن گام نهاده
إن یکن یجعل لله البنون = اگر بنا بود خدا را فرزندی باشد

و تعالی الله عما یصفون = که البته خداوند از این نسبت منزه و برتر است
 فولید البیت أحرى أن یکون = بی شک شایسته‌تر آن است که مولود خانه
 لولي البیت حقا ولدا = فرزند حقیقی صاحب خانه باشد
 لا عزیز، لا و لا ابن مریم = نه عزیز و نه پسر مریم

سبق الوجود کون جميعا في الوجود = او در وجود بر عالم هستی پیشی گرفته
 و طوی عالم غیب و شهود = و عوالم غیب و شهود را درنور دیده است
 کل ما في الوجود من یمناه جود = هر چه در عالم هستی است از برکت جود و کرم دست اوست
 إذ هو الکاثر لله یدا = چرا که او دست خداست
 و ید الله مدر الأنعم = و دست خداست که فروریزنده و بخشنده نعمتهاست



هو بدر و ذراریه بدور = او ماه تابان و فرزندانش همه ماههای تابانند
 عقلت عن مثلهم أم الدهور = که مادر روزگاران از آوردن مثل آنها نازا گشته است
 کعبه الوفا فی کل الشهور = او در همه ماههای سال کعبه زائران است
 فاز من نحو فناها و فدا = و به رستگاری رسید هر که سوی درگاه او توجه کرد و فدا نمود
 بمطاف منه او مستلم = خود را به طواف گاه و بوسه گاه او

أیها المرچی لقاہ فی الممات = ای که به هنگام مرگ امید دیدار تو می‌رود
 کل موت فیہ لقیاک حیاة = هر مرگی که در آن دیدار تو باشد زندگی حقیقی است
 لیتما عجل بی ما هو آت = کاش آن دیدار دم مرگ؛ زودتر فرا می‌رسید
 علنی القی حیاتی فی الردی = تا اینکه شاید حیات حقیقی را ملاقات می‌کردم در همین دنیای پست
 فایزاً منه بأوفی النعم = تا از دیدار تو به برترین و کاملترین نعمتها فایز می‌شدم

۲- سروده شیخ حسین نجف: از علماء و ادبای عراق.

جعل الله بیته لعلی = خداوند خانه خود را برای علی قرار داد
 مولدا یا له من علا لایضاها = زادگاهی؛ وه چه مقام والایی که نظیر ندارد
 لم یشارکه فی الولادة فیہ = زاده شدن او در کعبه فضیلتی است که با او در این فضیلت شرکت ندارد
 سید الرسل لا و لا انبیاءها = نه سروران رسولان صلی الله علیه و آله و سلم و نه هیچ پیامبری

علی خیر البشر

Imam Ali: Prince of the Believers

۲- سروده سید علی نقی هندی: از علماء و ادبای هند

لم یکن فی کعبۃ الرحمن مولود سواه = در خانه کعبه خدا جز او مولود دیگری به دنیا نیامده
 إذ تعالی فی البرایا عن مثیل فی علاه = زیرا وی برتر از آن است که در میان خلایق در والایی نظیری داشته باشد
 و تولى ذکره فی محکم الذکر الإله = و خداوند در آیات محکم قرآن از او یاد کرده است
 أیقول الغر فیه بعد هذا؟ لست أدري = آیا پس از این شخص گول خورده و نادان درباره او سخنی دارد؟ نمی‌دانم
 أقبلت فاطمة حاملة خیر جنین = فاطمه (بنت اسد) در حالی که به بهترین جنین حامله بود پیش آمد
 جاء مخلوقا بنور القدس لا الماء المهین = جنینی که از نور پاک آفریده بود نه از (ماء مهین) نطفه بی مقدار
 و تردی منظر اللاهوت بین العالمین = و جلوه گاه لاهوت در میان عالمیان فرود آمد
 کیف قد اودع فی جنب و صدر؟ لست أدري = حال چگونه در میان پهلو و سینه قرار داده شد؟ نمی‌دانم
 أقبلت تدعو و قد جاء بها داء المخاض = فاطمه دعا کنان پیش آمد در حالی که از الطاف خدای لطیف بخشنده
 نحو جذع النخل من الطاف ذي اللطف المفاض = درد زاییدن او را به سوی درخت خرما می‌کشانید (اشاره به زائیدن مریم)
 فدعت خالقها الباري بأحشاء مراض = و او با احتشائی دردمند آفریدگار خود را صدا زد.
 کیف ضجت، کیف عجت، کیف ناحت؟ لست أدري = اما چگونه نالید، چگونه زار زد، چگونه آه و ناله کشید؟ نمی‌دانم
 لست أدري غیر أن البیت قد رد الجواب = جز این نمی‌دانم که کعبه پاسخ را داد
 بابتسام فی جدار البیت أضحی منه باب = با لبخندی در دیوار خانه که از آن دری گشوده گشت
 دخلت فانجاب فیه البشر عن محض اللباب = فاطمه داخل شد و صدف مژده شکافت و خرد ناب از آن بیرون جست
 إنما أدري بهذا، غیر هذا لست أدري = من تنها همین را می‌دانم و جز این چیزی نمی‌دانم
 کیف أدري و هو سر فیه قد حار العقول = چگونه بدانم حال آنکه او سری است که خردها در آن سرگشته‌اند
 حادث فی الیوم لکن لم یزل أصل الاصول = و او با آنکه امروز پدید آمده ولی همچنان او تا بوده اصل الاصول بوده است
 مظهر لله لکن لا اتحاد لا حلول = او مظهر خداست بی آنکه اتحاد و حلولی در کار باشد
 غایة الإدراک أن أدري بأني لست أدري = و غایت ادراک و فهم آن است که بدانم که نمی‌دانم
 ولد الطهر «علی» من تسامی فی علاه؟ = بدینا آمد آن پاکیزه (علی)، و چه کسی را یارای آنست که با او در بلندی پهلو زند؟
 فاهندی فیه فریق و فریق فیه تاه = پس گروهی درباره او هدایت یافتند و گروهی دیگر درباره او گم شدند.
 ضل اقوام فطنوا أنه حقا إله؟ = آیا گمراه گروههایی که پنداشتند او حقا خداست؟
 أم جنون العشق هذا لا یجازی؟ لست أدري = یا آنکه این جنون عشق بوده است که مجازات ندارد؟ نمی‌دانم

۴- **سروده های آیت الله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (کمانی)** که حکیم و عارف و ادیب و از فقهای بزرگ و مرجع تقلید و استاد مراجع و فقهای بزرگی بوده اند. سروده های این بزرگمرد؛ عربی و فارسی است، و حتی آنچه فارسی است؛ اگر چه فارسی و ممکن است دریافت معانی آن ساده به نظر برسد؛ ولی مملو از کلام وحی و آیات قرآنی و کلمات خازنان وحی علیهم السلام و اسرار و معارف الهی است.

در نامگذاری الهی حضرت مولا ب: علی

سماه باسمه العلی الاعلی * تکرما منه له وفضل
 اسم سما فی عالم الاسماء * کالیدر فی کواکب السماء
 اسم به یتدفع البلاء * وإن یکن أبرمه القضاء
 اسم به أورقت الأشجار * اسم به أینعت الثمار
 وقامت السبع العلاء بلا عمد * باسم علی فهو خیر معتمد
 اسم به استدارت الأفلاك * اسم به استجارت الأملاك
 اسم منیر لرواق العظمة * به سراداتها منتظمة
 اسم به آدم نال الصفوة * من ربه ونال منه عفوہ
 وباسمه نوح نجا من الغرق * وفلکة جرى علی خیر نسق
 وباسمه نال الخلیل الخلة * شرفه الله بتلك الحلة
 ونال منه البرد والسلامة * بل منه نال منصب الإمامة
 وباسمه موسى غدا کلیما * ونال منه منزلا کریمًا
 بیمنه أفاق لما صعقا * من التجلی حین حاول اللقا
 وباسمه سما المسیح ذو العلاء * إلی السماء آمنا من البلاء
 وباسمه استغاث سید الوری * حین الذی جرى علیه ما جرى
 وباسمه کل نبی وولی * نجا من الشر الذی به ابتلی

در ولادت حضرت مولا در کعبه مشرفه

بوی گل و سنبل است یا که هوای بهار؟ = زمزمه بلبل است یا که نوای هزار؟
 نفعه روح القدس میرسد از بزم انس = یا که نسیم صبا می وزد از کوی یار؟
 صفحه روی زمین همچو بهشت برین = از چه چنین عنبرین؟ وز چه چنین مشکبار؟
 لاله خودرو برست ، ژاله برویش نشست = بوی خوشش کرد مست هر که بدی هوشیار
 چرخ مرصع کمر چتر ملمع بسر = گوهر انجم کند بر سرم مردم نثار
 هم به بسیط زمین ، پهن بساط نشاط = هم به محیط فلک ، سور و سرور استوار
 صبح ازل میدمد از افق لم یزل = شام ابد می رمد از دم شمس النهار
مظهر غیب مصون مظهر مافی البطون = از افق کاف و نون سر زده خورشیدوار
مالک ملک وجود، شمع شبستان جود = شاهد بزم شهود، پرده گرفت از عذار
 از افق لا مکان؛ عین عیان شد عیان = قطب زمین و زمان؛ کون و مکان را مدار
 روح نفوس و عقول؛ اصل اصیل اصول = نفس نفیس رسول؛ خسرو والا تبار
 دافع هر شک و ریب ، پاک ز هر نقص و عیب = فائق اصباح غیب از پس شبهای تار
 ناظم سر و علن بت فکن و بت شکن = غره وجه الزمن دره راس الفخار
 شاخه طویی مثال، در چمن اعتدال = ماه فروزان جمال ، در فلک اقتدار
قبه خرگاه او قبله اهل کمال = پایه درگاه او ملتزم و مستجار
 طفل دبستان اوست حامل وحی اله = بلبل بستان اوست پیک خداوندگار
 قاسم ارزاق کیست؟ ریزه خور خوان او = قابض ارواح کیست؟ بنده فرمانگذار
 صاحب تیغ دو سر، از دم او مفتخر = روح قدس ، فیضبر از در او بیشمار
مظهر و مجلای حق ، طور تجلای حق = برد بیک جلوه از سینه سینا قرار
نیر انجم خدم؛ تافت ز اوج حرم = شد ز حسیض عدم؛ نور وجود آشکار
گوهر بحر قدم از صدف آمد برون = فلک محیط کرم در حرم آمد کنار
کعبه پر از نور شد، جلوه که طور شد = سر "انا الله" ز "نور" گشت عیان نی ز "نار"
 مکه شد از بوی او رشک ختا و ختن = وز چمن روی او گلشن دارالقرار

ده بند) در میلاد حضرت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام

بند اول

گوهری را از صدف آورده طبعم در کنار = یا که از خاک نجف تابنده دری آبدار
 برد تا حد عدم تا قاب قوسین وجود = رفرق طبع مرا، یک غمزه زان دلدل سوار
 شاهد بزم ولایت شاه اقلیم وجود = شمع ایوان هدایت نیر گیتی مدار
 صورت زیبای او یا طلعت "الله نور" = معنی والای او یا سر "لم تمسسه نار"
 خط دلجویش طراز مصحف کون و مکان = خال هندویش مدار گردش لیل و نهار
 پرتوی از نور رویش طور سینای کلیم = بنده درگاه کویش صد سلیمان اقتدار
 مشرق صبح ازل خورشید لم یزل = چرخ تا شام ابد در زیر حکمش برقرار
 در برش پیر خرد چون کودکی دانش پژوه = بر درش عقل مجرد همچو پیری خاکسار
 شاهباز اوج او ادنی به هنگام عروج = یکه تاز عرصه ایجاد گاه گیر و دار
 گوش جان بگشا و بشنو از امین کردگار = لافتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند دوم

باز جان میپرورد ساز پیام آشنا = یا که از طور غری می آید آواز "انا"
میدمد صبح ازل از کوی عشق لم یزل = یا فروزان شمع روی شاهد بزم "دنی"
حلوه شمع طریقت چشمها را خیره کرد = یا "سنابرق" حقیقت میزند کوس فنا
کعبه را تاج شرف تا اوج "اودنی" رسید = یافت چون از مولد میمون او اقصی المنی
قبله اهل یقین شد خطه بیت الحرام = روضه خلد برین شد ساحت خیف و منا
بیت معموران شود ویران از بنحریست رواست = یا بیفتد گنبد دوار من اعلی البنا
از پی تعظیم خم شد گوئیا پشت فلک = فرش را عرش معلی گفت تبریک و هنا
یا ولید البیت غوغای نصاری در مسیح = گرچه میزیدترا، لکن تعالی ربا
مفتقر گرمیکند با یک زبان مدحتگری = میکند روح الامین با صدا نوا مدح و ثنا
گوش جان بگشاد و بشنواز امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند سوم

کعبه چون گوی سبقت از سینه سینا گرفت = پایه برتر از فراز گنبد مینا گرفت
خانه، بی سالار و صاحب بود تا میلاد شاه = سر به کیوان زد چه رب البیت در وی جا گرفت
تا ز برج کعبه خورشید حقیقت جلوه کرد = چرخ چارم سوخت از حسرت دل از دنیا گرفت
کعبه شد تا با مقام لی مع الهی قرین = از شرافت همسری تا بزم او ادنی گرفت
خاک بطحازین عنایت آنچنان شد سر بلند = رونق عز و شرف از مسجد اقصی گرفت
کعبه شد تا مرکز طاوس گلزار ازل = تا ابد زاغ و زغن یکسره ره صحرا گرفت
خلوت حق شد ز هر دیو و دد ناپاک پاک = در پناه اسم اعظم ، منزل و ماوا گرفت
خیر مقدم ای همایون طالع برج شرف = ملک هستی زیب و فر زان طلعت غرا گرفت
نغمه داستان نباشد در خور این داستان = شور جبریل امین در عالم بالا گرفت
گوش جان بگشاد و بشنو از امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند چهارم

گوهری شد از درون کعبه بیرون از صدف = کرد بیت الله را با آن شرف بیت الشرف
گوهری سنگین بهار، رخشان شد از بیت الحرام = کز ثریا را کرد کمتر از خرف
کعبه شد از مقدم اوقاف عنقاء قدم = شاهبازان طریقت در کنارش صف بصف
سینه سینا مگر از هیبتش شد چاک چاک = یا شنید از رافتش موسی ندای "لا تخف"
زاشتیاقش یوسف صدیق در زندان عم = وز فراقش پیر کنعان نغمه ساز را اسف
خلعت خلت شد ارزانی بر اندام خلیل = کرد بنیاد حرم چرن بهر آن نعم الخلف
کعبه را شد همسری با تربت خاک غری = مبدء اندر کعبه بود و منتهی اندر نجف
آسمان زد کوس شاهی در محیط کن فکان = زهره ، ساز نغمه تبریک زدی چنک و دف
هر دو گیتی را بشادی کرد فردوس برین = نغمه روح الامین ، بایک جهان شوق و شعف
گوش جان بگشاد و بشنو از امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند پنجم

آفتاب عالم لاهوت از برج قدم = کرد گیتی را چه صبح روشن از سر تا قدم
کعبه شد مشکوه مصباح جمل لم یزل = بیت ، رب البیت را گردید مجلای اتم
کوکب دری دری بگشود ارفیض وجود = کز فروغش نیست جز نام دروغی از عدم
کلك قدرت در درون کعبه نقشی را نگاشت = پایه اش را برد برتر از سر لوح و قلم
کعبه گوئی کنز مخفی بود گوهر زای شد = زین شرافت تا ابد گردید در عالم علم
مکه شدام القری از مقدم ام الکتاب = قبه عرش برین زد بوسه بر خاک حرم
شاه اقلیم "سلونی" تا قدم در کعبه زد = قبله حاجات گشت و مستجار و ملتزم
از مروت داد عنوانی ، صفا و مروه را = وز فتوت آبرویی یافت زمزم نیز هم
منطق تقریر میگوید: لقد کل اللسان = خامه تحریر مینالد: لقد جف القلم
گوش جان بگشاد و بشنواز امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند ششم

گلشن خلد برین شد عرصه بیت الحرام = تا خرامان گشت دروی تازه سروی خوشخرام
نونهای معتدل از بوستان "فاسقم" = شاخه طوبی بری از روضه دار السلام
قامتی در استقامت چون صراط مستقیم = سرو آزادی به قامت همچو میزانی تمام
قد و بالای دل آرایش بغایت دلستان = عالم از حسن نظامش در کمال انتظام
شمع بزم کبریائی گاه قد افراختن = نخله طور تجلای الهی در کلام
نقطه بانیه بود و در تجلی شد الف = مصحف کونین را داد افتتاح و اختتام
تا قیامت وصف آنقامت ننگجد در بیان = لیک میدانم قیامت میکند از وی قیام
زان میان حاشا اگر آرام حدیثی در میان = سر خاص الخاص کی باشد روا در بزم عام ؟
وصف آن بالا نباشد کار هر بی پا و سر = من کجا و مدحت آن سرور والا مقام ؟
گوش جان بگشاد و بشنواز امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند هفتم

تا درخشان شد درون کعبه زان وجه حسن = ثم وجه الله روشن شد، برون شد شك و ظن

چونکه بودش خلوت غیب الغیوبی جایگاه = دید بیت الله را نیکو مثالی در وطن
 کعبه شد طور حقیقت سینه سینا شکافت = پور عمران کو که تا باز آبدش آواز "لن" ؟
 در محیط کعبه چندان موج زد دریای عشق = کز نهیبش گشت نه فلك فلك لشکر شکن
 سر وحدت از جیبش آنچنان شد آشکار = کز درو دیوار بیت الله فراری شد وثن
 نقش باطل چیست با آن صورت یزدان نما؟ = با وجود اسم اعظم کی بماند اهرمن ؟
 تا علم زد بر فرار کعبه شاه ملك عشق = عالم توحید را یکباره روح آمد بتن
 شهریار لافتی تا زد قدم در آن سرا = حسن ایام جوانی یافت این دهر (دیر) کهن
 تیشه بر سر کوفت از ناقابلی فرهاد وار = مفتقر، هر چند می گوید به شیرینی سخن
 گوش جان بگشاد و بشنواز امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند هشتم

کعبه تا نقطه بایه را در بر گرفت = در جهان گوی سبقت از چار دفتر برگرفت
 در محیط کعبه شد تا نقطه وحدت مدار = عالم ایجاد را آن نقطه سرتاسر گرفت
 نامه هستی شد از طغرای نامش نامور = طلعتی زیبا از آن دیباچه فتر گرفت
 تا که زیر پای او را از دل و جان بوسه داد = آنچه را در وهم ناید کعبه بالاتر گرفت
 از قدوم روح قدسی از شعف پرواز کرد = شاهباز سدره را در زیر بال و پر گرفت
 شد حرم دار الامان در رقص آمد آسمان = تا که شعری بوسه بر خاک ره مشعر گرفت
 چشمه خاور فروغی دید از آن مه جبین = نار طور از شعله نور جمالش در گرفت
 عقل فعال از دبستان کمالش بهره یافت = چون خداوند سخن جا بر سر منبر گرفت
 شهسواری آمد اندر عرصه میدان رزم = کز سرای عالم امکان سر و افسر گرفت
 گوش جان بگشاد و بشنواز امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند نهم

کعبه کوی حقیقت قبله اهل وصول = مستجار علوی و سفلی و ارواح عقول
 نسخه اسماء و سرلوح حروف عالیات = مصدر افعال ، اول صادر و اصل الاصول
 آنکه بودش قاب و قوسین اولین قوس صعود = کعبه اش گاه تنزل آخرین قوس نزول
 در رواق عزتش اشراقیان را راه نیست = در حریم خلوتش عقلست ممنوع از دخول
 ریزه خوار خوان او میکال با حفظ ادب = حامل فرمان او جبرئیل با شرط قبول
 قطره ای از قلزم جودش محیطی بیکران = عکس از نور جمالش آفتابی بی افول
 حاکم ارض و سمایی شبیه اندر رتق و فتق = واجب ممکن نمایی اتحاد و بی حلول
 خاتم دور ولایت فاتح اقلیم عشق = هر که این معنی نمیداند ظلوم است و جهول
 دست هر ادارك کوتاه است از دامان او = پس چگویم من ؟ تعالی شانۀ عما نقول
 گوش جان بگشاد و بشنواز امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

بند دهم

شد سمند یکه تاز طبع را زانو دو تا = چون قدم زد در مدیح شهسوار لافتی
 خامه مشکین من چون مینگارد این رقم = خون خورد از رشك و حسرت نافه مشک ختا
 گر بگیرم باج از تاج کیان نبود عجب = چون سرایم نغمه ای از تار جدار هل اتی
 ای سروش غیب پیغامی ز کوی یار من = جان بلب آمد ز حسرت همتی حتی متی ؟
 عمر بگذشت و ندیدم روی خوبی ایدریغ = زندگانی رفت بر باد فنا واحسرتا
 روز من از شب سیه تر کو جهان افروز من ؟ = صبحم از شام غریبان تیره تر واغربتا
 در حضيض جهل افتادم ز اوج معرفت = در میان شهر دانش در کنار روستا
 عشق گفتا دست زدن در دامن شیر خدا = تا رهائی از نهنگ طبع چون پور متی
 آنکه در اقلیم وحدت فرد و بی مانند بود = وانکه اندر عرصه میدان نبودش هیچ تا
 گوش جان بگشاد و بشنواز امین کردگار = لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار

خاتمه:

جامع این رساله وجیزه: محمد علوي فاطمي گوید:
 می خواستم همراه صفحه تبریک؛ تنها به سطور و صفحه ای عرض ادب کرده باشم؛
 ولی کرشمه حسن حضرت دوست آنرا به کتابی مبدل نمود؛ از درگاهش برای قصور و تقصیر خویش پوزش طلبیده
 و قبولی آنرا از نظر خطا پوشش مسألت دارم

والحمد لله رب العالمین